



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیه السلام

www.

www.

www.

www.

Ghaemiyeh

.com

.org

.net

.ir



اعرف الحق تعرف امله

۲۵

سلسله پژوهش های اعتقادی

حقیقت صحابه

آیت الله سید علی حسینی میلانی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سلسله پژوهش های اعتقادی

نویسنده:

آیت الله علی حسینی میلانی

ناشر چاپی:

مرکز الحقایق الاسلامیه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۹	سلسله پژوهش های اعتقادی، حقیقت صحابه المجلد ۲۵
۹	مشخصات کتاب
۹	سرآغاز ...
۱۵	نگاهی به واژه «صحبت» ...
۱۵	واژه «صحبت» از نظر لغت ...
۱۶	واژه «صحابی» در اصطلاح ...
۱۶	صحابی از دیدگاه اصولیان ...
۱۷	صحابی از دیدگاه محدثان ...
۱۸	موقعیت صحابه ...
۱۸	اشاره
۱۸	۱. همه صحابی کافرند ...
۱۸	۲. همه صحابی عادل اند ...
۲۱	۳. نه زیاده روی و نه کوتاهی ...
۲۵	بخش یکم سخنان پیشوایان بزرگ و حافظان اهل سنت در حدیث النجوم ...
۲۵	سخنان روشن ...
۲۵	اشاره
۲۶	۱. احمد بن حنبل شیبانی و نگاهی به شرح حال او ...
۲۷	۲. ابوابرهیم مزنی و نگاهی به شرح حال او ...
۲۹	۳. ابوبکر بزار و نگاهی به شرح حال او ...
۳۲	۴. ابن عدی و نگاهی به شرح حال او ...
۳۴	۵. ابوالحسن دارقطنی و نگاهی به شرح حال او ...
۳۵	۶. ابن حزم اندلسی و نگاهی به شرح حال او ...
۳۷	۷. احمد بن الحسین بیهقی و نگاهی به شرح حال او ...

- ۳۸ ۸. ابن عبدالبرّ و نگاهی به شرح حال او ...
- ۴۱ ۹. علی بن حسن ابن عساکر و نگاهی به شرح حال او ...
- ۴۲ ۱۰. ابن جوزی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۴۳ ۱۱. ابن دحیه و نگاهی به شرح حال او ...
- ۴۴ ۱۲. ابوحنّان اندلسی ...
- ۴۷ نگاهی به شرح حال ابوحنّان اندلسی ...
- ۴۹ ۱۳. شمس الدین ذهبی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۵۰ ۱۴. تاج الدین ابن مکتوم و نگاهی به شرح حال او ...
- ۵۱ ۱۵. ابن قیم الجوزیه و نگاهی به شرح حال او ...
- ۵۳ ۱۶. زین عراقی ...
- ۵۵ ۱۷. ابن حجر عسقلانی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۵۸ ۱۸. ابن همّام و نگاهی به شرح حال او ...
- ۵۹ ۱۹. ابن امیر الحاج و نگاهی به شرح حال او ...
- ۶۲ ۲۰. حافظ سخاوی و آشنایی با او ...
- ۶۴ ۲۱. ابن ابی شریف شافعی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۶۵ ۲۲. جلال الدین سیوطی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۶۵ ۲۳. علی متقی هندی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۶۶ ۲۴. علی قاری و آشنایی با او ...
- ۶۹ ۲۵. عبدالرؤوف متّاوی و آشنایی با او ...
- ۷۱ ۲۶. شهاب خفاجی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۷۳ ۲۷. قاضی بهاری و نگاهی به شرح حال او ...
- ۷۴ ۲۸. قاضی شوکانی و نگاهی به شرح حال او ...
- ۷۶ ۲۹. محمّد صدیق حسن خان و نگاهی به شرح حال او ...
- ۷۷ حدیث «النجوم» و دیدگاه عالمان دیگر ...
- ۷۹ تکمیل بحث ...
- ۸۱ بخش دوم نگاهی به سندها و راویان النجوم و دیدگاههای پیشوایان جرح و تعدیل درباره آن ها ...

۸۱	راویان حدیث «النجوم» ...
۸۱	روایت عبدالله بن عمر و راویان آن ...
۸۱	اشاره
۸۱	عبدالرحیم بن زید ...
۸۲	زید عقی ...
۸۲	حمزه جزری ...
۸۳	روایت عمر بن خطاب و راویان آن ...
۸۳	اشاره
۸۳	نعیم بن حماد ...
۸۳	عبدالرحیم بن زید و زید عمی ...
۸۳	روایت جابر بن عبدالله انصاری و راویان آن ...
۸۳	اشاره
۸۴	ابوسفیان ...
۸۵	سلام بن سلیم ...
۸۵	حارث بن غصین ...
۸۵	روایت عبدالله بن عباس و راویان آن ...
۸۵	اشاره
۸۶	سلیمان بن ابوکریمه ...
۸۶	جویر بن سعید ...
۸۷	ضحاک بن مزاحم ...
۸۷	روایت ابوهریره و راویان آن ...
۸۸	روایت انس بن مالک و راویان آن ...
۸۹	بخش سوم تأملاتی در مفهوم حدیث النجوم ...
۸۹	پرسش‌هایی درباره مفهوم حدیث ...
۹۱	پیامبر خدا و سرزنش برخی اصحاب ...
۹۳	نگاهی به اعمال زشت برخی اصحاب ...

- ۹۳ اشاره
- ۹۴ دروغ گویی برخی اصحاب ...
- ۹۵ جنایت خالد بن ولید ...
- ۹۵ مغیره و ارتکاب زنا ...
- ۹۶ شراب فروشی سمره بن جندب ...
- ۹۷ بت فروشی معاویه ...
- ۹۷ شراب خواری عبدالرحمان بن عمر ...
- ۹۸ نادانی برخی از بزرگان اصحاب ...
- ۹۸ خیانت معاویه در فروش کالا ...
- ۹۹ اقدام زید بن ارقم ...
- ۱۰۱ توطئه عایشه و حفصه ...
- ۱۰۱ حدیث «النجوم» و سخن پایانی ...
- ۱۰۲ اهل بیت و ستارگان هدایت ...
- ۱۰۶ کتاب نامه ...
- ۱۱۷ درباره مرکز

مشخصات کتاب

سرشناسه: حسینی میلانی، علی، ۱۳۲۶ -

عنوان و نام پدیدآور: حقیقت صحابه: حدیث اصحابی کالنجوم: پژوهشی در واژه صحابه و بررسی و نقد حدیث "اصحابی کالنجوم" / علی حسینی میلانی؛ ترجمه و ویرایش هیئت تحریریه انتشارات الحقایق.

مشخصات نشر: قم: مرکز حقایق اسلامی، ۱۳۹۰.

مشخصات ظاهری: ۱۲۸ ص.

فروست: سلسله پژوهش های اعتقادی؛ ۲۵.

شابک: ۷-۳۴-۵۳۴۸-۶۰۰-۹۷۸

عنوان دیگر: حدیث اصحابی کالنجوم.

عنوان دیگر: پژوهشی در واژه صحابه و بررسی و نقد حدیث "اصحابی کالنجوم".

موضوع: احادیث خاص (اصحابی کالنجوم) -- نقد و تفسیر

موضوع: صحابه -- احادیث اهل سنت

شناسه افزوده: مرکز الحقائق الاسلامیه

رده بندی کنگره: BP۱۴۵/الف ۶۰۴۲۲ ح ۵ ۱۳۹۰

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۲۱۸

شماره کتابشناسی ملی: ۲۴۰۱۷۳۱

ص: ۱

سر آغاز ...

... آخرین و کامل ترین دین الاهی با بعثت خاتم الانبیاء، حضرت محمّد مصطفی صلی الله علیه وآله به جهانیان عرضه شد و آئین و رسالت پیام رسانان الاهی با نبوت آن حضرت پایان پذیرفت.

دین اسلام در شهر مکه شکوفا شد و پس از بیست و سه سال زحمات طاقت فرسای رسول خدا صلی الله علیه وآله و جمعی از یاران باوفایش، تمامی جزیره العرب را فرا گرفت.

ادامه این راه الاهی در هجدهم ذی الحجّه، در غدیر خم و به صورت علنی، از جانب خدای مّنان به نخستین رادمرد عالم اسلام پس از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله یعنی امیر مؤمنان علی علیه السلام سپرده شد.

در این روز، با اعلان ولایت و جانشینی حضرت علی علیه السلام، نعمت الاهی تمام و دین اسلام تکمیل و سپس به عنوان تنها دین مورد

ص: ۲

پسند حضرت حق اعلام گردید. این چنین شد که کفرورزان و مشرکان از نابودی دین اسلام مأیوس گشتند.

دیری نپایید که برخی اطرافیان پیامبر صلی الله علیه وآله،- با توطئه هایی از پیش مهیا شده- مسیر هدایت و راهبری را پس از رحلت پیامبر خدا صلی الله علیه وآله منحرف ساختند، دروازه مدینه علم را بستند و مسلمانان را در تحیر و سردرگمی قرار دادند. آنان از همان آغازین روزهای حکومتشان، با منع کتابت احادیث نبوی، جعل احادیث، القای شبهات و تدلیس و تلبیس های شیطانی، حقایق اسلام را- که همچون آفتاب جهان تاب بود- پشت ابرهای سیاه شک و تردید قرار دادند.

بدیهی است که علی رغم همه توطئه ها، حقایق اسلام و سخنان دُررَبار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله، توسط امیر مؤمنان علی علیه السلام، اوصیای آن بزرگوار علیهم السلام و جمعی از اصحاب و یاران باوفا، در طول تاریخ جاری شده و در هر برهه ای از زمان، به نوعی جلوه نموده است. آنان با بیان حقایق، دودلی ها، شبهه ها و پندارهای واهی شیاطین و دشمنان اسلام را پاسخ داده و حقیقت را برای همگان آشکار ساخته اند.

در این راستا، نام سپیده باورانی همچون شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی، خواجه نصیر، علامه حلی، قاضی نورالله، میر حامد حسین، سید شرف الدین، امینی و ... همچون ستارگانی پرفروز می درخشد؛ چرا که اینان در مسیر دفاع از حقایق اسلامی و تبیین

واقعیات مکتب اهل بیت علیهم السلام، با زبان و قلم، به بررسی و پاسخ گویی شبهات پرداخته اند ...

و در دوران ما، یکی از دانشمندان و اندیشمندانی که با قلمی شیوا و بیانی رسا به تبیین حقایق تابناک دین مبین اسلام و دفاع عالمانه از حریم امامت و ولایت امیر مؤمنان علی علیه السلام پرداخته است، پژوهشگر والامقام حضرت آیت الله سید علی حسینی میلانی، می باشد.

مرکز حقایق اسلامی، افتخار دارد که احیای آثار پُربار و گران سنگ آن محقق نستوه را در دستور کار خود قرار داده و با تحقیق، ترجمه و نشر آثار معظّم له، آن ها را در اختیار دانش پژوهان، فرهیختگان و تشنگان حقایق اسلامی قرار دهد.

کتابی که در پیش رو دارید، ترجمه یکی از آثار معظّم له است که اینک "فارسی زبانان" را با حقایق اسلامی آشنا می سازد.

امید است که این تلاش مورد خشنودی و پسند بقیّه الله الأعظم، حضرت ولی عصر، امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف قرار گیرد.

مرکز حقایق اسلامی

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على سيدنا محمد وآله الطاهرين

المعصومين، ولعنه الله على أعدائهم أجمعين من الأولين والآخرين.

از روایت هایی که به پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نسبت داده شده حدیثی است که می گویند: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله (۱)

فرمود:

أصحابي كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم؛

اصحاب من به سان ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید، هدایت خواهید یافت.

نوشتاری که پیش روی شماست به بررسی و نقد این حدیث پرداخته است. در این پژوهش از سه محور بحث شده است:

ص: ۵

۱- به رغم این که در منابع اهل سنت درود و صلوات پس از نام مبارک پیامبر خدا صلی الله علیه وآله به صورت ناقص (ابتر) آمده است، ما طبق فرمایش حضرتش، درود و صلوات را به صورت کامل آورده ایم

۱. گفتار پیشوایان بزرگ و حافظان اهل سنت و دیدگاه آن ها.
 ۲. نگرشی به سندهای حدیث در پرتو آرای دانشمندان جرح و تعدیل اهل سنت.
 ۳. اندیشه هایی در متن، مفهوم و نتیجه این حدیث.
- در ارائه و بررسی این محورها از خدای بزرگ یاری می طلبیم که او ولی توفیق است.

علی حسینی میلانی

ص: ۶

نگاهی به واژه «صحبت» ...

واژه «صحبت» از نظر لغت ...

واژه «صحبت» در لغت به معنای معاشرت و یا ملازمت آمده است. گفته می شود: «أصحبتة صحبته صحبه فأنا صاحب» جمع این واژه: صحب، اصحاب و صحابه آمده است. (۱) راغب اصفهانی در المفردات فی غریب القرآن می نویسد:

ولا يقال في العرف إلّا لمن كثرت ملازمته؛ (۲)

در عرف فقط به کسی مصاحب می گویند که ملازمت بیشتری با فرد داشته باشد.

بنابر اقتضای واژه «صاحب» از نظر لغوی و عرفی، مصاحب پیامبر صلی الله علیه وآله کسی است که با آن حضرت معاشرت یا ملازمت

ص: ۷

۱- القاموس المحيط: ۱/ ۲۳۷، واژه «صحب». ابن اثیر و دیگران گویند: فاعل به معنای فعاله جمع بسته نمی شود جز همین

مورد. النهایه: ۱۱ / ۳

۲- المفردات فی غریب القرآن: ۴۷۵، واژه «صحب»

داشته باشد؛ چه مسلمان باشد یا کافر، نیکوکار باشد یا بدکردار، مؤمن باشد یا منافق؛ چرا که بنا بر گفتار فیومی اصل در این اطلاق برای کسی است که رؤیت و مجالستی با آن حضرت داشته باشد. (۱)

واژه «صحابی» در اصطلاح ...

اینک پس از بیان معنای «صحبت» از نظر لغت، به بررسی واژه «صحابی» در اصطلاح می پردازیم.

دانشمندان علم اصول و حدیث اتفاق نظر دارند که به کسی صحیح است نام «صحابی» اطلاق شود که مسلمان باشد. اما آنان در تعریف «صحابی» اختلاف نظر دارند.

صحابی از دیدگاه اصولیان ...

مشهور اصولیان در تعریف صحابی چنین می گویند:

کسی که با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله مجالست و هم نشینی طولانی داشته باشد؛ به گونه ای که از آن حضرت پیروی کند و مطالب و آدابی را از آن بزرگوار یاد بگیرد، صحابی گویند. بر خلاف کسی که به عنوان میهمان به حضورش دعوت شود، آن گاه بی آن که مصاحبت و پیروی باشد از حضورش باز گردد. (۲)

ص: ۸

۱- .المصباح المنیر: ۱/ ۳۳۳، واژه «صحاب»

۲- .مقباس الهدایه: ۳/ ۲۹۶، الدرجات الرفیعه: ۱۰

صحابی از دیدگاه محدثان ...

بیشتر محدثان در تعریف صحابی چنین می گویند:

هر مسلمانی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را ببیند، صحابی است. (۱) گروهی دیگر از محدثان در تعریف صحابی گفته اند:

هر مسلمانی که دوران پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را درک کند؛ گرچه آن حضرت را نبیند، صحابی است. (۲) برخی دیگر از محدثان در تعریف صحابی گفته اند:

هر کس پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را ملاقات کند و به آن حضرت ایمان بیاورد و با ایمان و اسلام از دنیا برود- گرچه زمانی در این بین مرتد شده باشد- صحابی است. (۳) البته در تعریف صحابی دیدگاه های دیگری نیز وجود دارد که به شذوذ و ندرت وصف شده اند. (۴)

ص: ۹

۱- . این تعریف در المختصر: ۶۷ / ۲، مقیاس الهدایه: ۳۰۰ / ۳ حکایت شده است

۲- . مقیاس الهدایه: ۲۹۸ / ۳

۳- . این تعریف را شهید ثانی رحمه الله در کتاب الرعایه لحال البدایه: ۱۶۱، سید علی خان مدنی در کتاب الدرجات الرفیعه: ۹ و ابن حجر عسقلانی در الاصابه: ۱ / ۱۵۸ برگزیده اند. از طرفی شیخ ما عالم بزرگوار مامقانی رحمه الله این تعریف را در مقیاس الهدایه: ۳ / ۳۰۰ و ابن حجر عسقلانی در مورد دیگری از الاصابه: ۱ / ۱۵۹ به محققان نسبت داده اند

۴- . مقیاس الهدایه: ۳ / ۲۹۷ - ۲۹۹

موقعیت صحابه ...

اشاره

مسلمانان درباره صحابه از جهت دارا بودن عدالت و نبودن آن سه دیدگاه دارند:

۱. همه صحابی کافرند ...

گروهی به نام «کاملیه» و کسانی که در غلو، هم فکر و هم سو با آنان هستند معتقدند که همه صحابه کافر هستند. (۱) روشن است که این دیدگاه ارزش بررسی و نقد ندارد و بحث از گویندگان این دیدگاه و دلیل های آن ها و رد آن ادله، هیچ سودی ندارد.

۲. همه صحابی عادل اند ...

این دیدگاه در بین دانشمندان اهل سنت مشهور شده که همه صحابه عادل و مورد اعتمادند و هیچ عیب و جرحی در آنان راه ندارد.

از این رو، روا نیست روایتی که آنان نقل می کنند تکذیب شود و به سخنانی که از آنان نقل می شود ایراد گرفت. گویی آنان به محض مصاحبت با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از هر خطا و اشتباه معصوم شده اند و از هر لغزشی محفوظ.

ص: ۱۰

۱- . اللباب فی تهذیب الأنساب: ۷۸ / ۳. این دیدگاه را سید عبدالحسین شرف الدین عاملی رحمه الله در اجوبه المسائل جار الله: ۱۵ نیز آورده است

مزنی در این زمینه می گوید: همه صحابه مورد اعتماد و امین هستند. (۱) خطیب بغدادی می گوید: عدالت صحابه ثابت و روشن است. (۲) ابن حزم اندلسی می گوید: به یقین همه صحابه اهل بهشت هستند. (۳) گفتنی است که ابن عبدالبرّ، ابن اثیر جزری، غزالی و دیگر دانشمندان اهل سنّت نیز به این گفتار تصریح کرده اند. (۴) از طرفی، برخی از عالمان اهل سنّت هم چون ابن حجر عسقلانی و ابن عبدالبرّ ادّعا کرده اند که این دیدگاه مورد اتّفاق نظر تمام دانشمندان است. (۵) روشن است که گفتار گروهی از پیشوایان بزرگ آنان، این اتّفاق نظر را تکذیب می کند؛ چرا که آنان این گفتار را به بیشتر علما نسبت داده اند نه همه آن ها. ابن حاجب در ضمن طرح مسئله ای گوید:

ص: ۱۱

-
- ۱- در آینده سخن مزنی را بیان خواهیم کرد
 - ۲- الکفایه فی علم الروایه: ۴۶-۴۹. این سخن را ابن حجر عسقلانی در الاصابه: ۱/ ۱۶۲ و ۱۶۳ از او نقل کرده است
 - ۳- الاصابه: ۱/ ۱۶۳
 - ۴- الاستیعاب: ۱/ ۱۱۷، ۱۱۸ و ۱۲۹، اسد الغابه: ۱/ ۱۱۰، احیاء علوم الدین: ۱/ ۹۳ و ۱۱۵
 - ۵- الاصابه: ۱/ ۱۶۲، الاستیعاب: ۱/ ۱۲۹

بیشتر علما بر عدالت صحابه قائل اند، برخی گفته اند: صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند. برخی دیگر گفته اند: صحابه تا در فتنه ای وارد نشده اند عادل اند؛ ولی کسانی که در فتنه ها و آشوب ها وارد شده اند عدالت آنان پذیرفته نیست؛ چرا که فاسق، معلوم و معین نیست.

معتزلی ها در این باره گفته اند: همه صحابه عادل اند مگر افرادی که با علی علیه السلام جنگیدند ... (۱) البته در کتاب جمع الجوامع و شرح آن نیز چنین آمده است، آن جا که گوید:

بیشتر عالمان به عدالت صحابه قائل اند و به نقل روایت و آوردن شاهد ... نیازی نیست. آن گاه در این دو کتاب به نقل نظریه های دیگری پرداخته شده است. (۲) فراتر این که گروهی از دانشمندان اهل سنت به صراحت بیان داشته اند که صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند که در بین آن ها افراد عادل و غیر عادل وجود دارد ...

از این گروه می توان افراد ذیل را نام برد: سعدالدین تفتازانی، مازری شارح کتاب البرهان، ابن عماد حنبلی و بزرگان دیگری هم چون

ص: ۱۲

۱- .المختصر: ۶۷/۲. در شرح المختصر نیز همین گونه آمده است

۲- .النصائح الکافیة: ۱۶۶

قاضی القضاة شوکانی و از متأخران دانشمندانی چون شیخ محمود ابوریه، شیخ محمد عبده، سید محمد بن عقیل علوی، سید محمد رشید رضا نگارنده المنار فی تفسیر القرآن، شیخ مقبلی نویسنده العلم الشامخ و شیخ مصطفی صادق رافعی نگارنده کتاب اعجاز القرآن ... (۱) واضح است که همین دیدگاه مطابق با رأی و دیدگاه شیعه امامی است.

۳. نه زیاده روی و نه کوتاهی ...

دیدگاه سوم درباره عدالت صحابه از آن شیعه امامی است. آنان اتفاق نظر دارند که صحابه نیز همانند دیگر مردم هستند؛ در بین آن ها عادل، فاسق، مؤمن و منافق وجود دارد و صرف مصاحبت با پیامبر خدا صلی الله علیه و آله گرچه موجب شرافت است؛ اما برای آن ها عصمت نمی آورد و کارهای زشت و قبیح را از آنان دور نمی سازد؛ چرا که قرآن در موارد فراوانی از صحابه منافق سخن به میان آورده است.

همان منافقانی که با گفتار خود، پیامبر خدا صلی الله علیه و آله و خاندان آن حضرت را مورد اذیت قرار دادند ...

ص: ۱۳

۱- شرح المقاصد: ۵/ ۳۱۰ و ۳۱۱، الاصابه: ۱/ ۱۶۳، النصائح الکافیة: ۱۶۷ و ۱۶۸ و در ص ۱۶۸ به نقل از آلوسی و ۱۶۰-
۱۸۶. إرشاد الفحول: ۱۵۸، شیخ المضيره ابوهريه: ۱۰۱، اضواء علی السنه المحمديه: ۳۲۲ و ۳۳۹

در این باره احادیث فراوانی از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل شده که برخی از صحابه مورد سرزنش آن حضرت قرار گرفتند؛ کتاب های حدیثی و تاریخی از نقل کشمکش ها، تکذیب ها و بدگویی های صحابه نسبت به یک دیگر پُر است.

پیشوایان حدیث و بزرگان تابعین نیز در این باره اظهار نظر کرده اند. آرا و نظریه های آنان در مورد برخی از صحابه در کتاب های رجالی و تاریخی ثبت شده است. برای نمونه به مواردی اشاره می نمایم:

از مالک بن انس پرسیدند: دو حدیث مختلف را دو راوی مورد اعتماد از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل می کنند به نظر شما به هر دو می توان عمل کرد؟

گفت: نه، به خدا سوگند! نمی توان به هر دو عمل کرد تا سخن حق را از آن دو روایت به دست آورد و فقط یکی از آن دو حدیث، حق است.

مگر می شود دو سخن متفاوت درست باشد؟ سخن حق و درست فقط یکی از آن دو حدیث است. (۱) هم چنین در مورد دیگری از انس بن مالک درباره اختلاف نظر صحابه پرسیدند، پاسخ داد: نظر یکی اشتباه و دیگری درست است

ص: ۱۴

باید در این مورد دقت کرد. (۱) در نقل دیگری آمده است: ابوحنیفه درباره صحابه چنین گفت:

همه صحابه عادل اند، جز افرادی.

آن گاه ابوحنیفه از آن افراد ابوهریره و انس بن مالک را نام برد. (۲) از شافعی نقل شده که او راز گونه به ربیع گفت: شهادت و گواهی چهار تن از صحابه پذیرفته نیست: معاویه، عمرو بن عاص، مغیره و زیاد. (۳) شعبه در این باره گوید: ابوهریره همواره در نقل حدیث تدلیس می کرد. (۴) از لیث نیز نقل شده که گفته است: هر گاه در موردی با اختلاف دیدگاه اصحاب مواجه شویم، دیدگاهی را می پذیریم که از روی احتیاط است. (۵) آری به خاطر استناد به همین مطالب است که شیعه امامی

چنین

ص: ۱۵

۱- . جامع بیان العلم وفضله: ۲ / ۹۰۵

۲- . شرح نهج البلاغه ابن ابی الحدید: ۴ / ۶۸

۳- . المختصر فی اخبار البشر: ۱ / ۱۸۶

۴- . البدایه والنهایه: ۸ / ۱۱۷

۵- . جامع بیان العلم وفضله: ۲ / ۹۰۲

دیدگاهی دارد. اما بیشتر علمای اهل سنت بر این پندارند که خداوند سبحان و پیامبر او صلی الله علیه و آله صحابه را پاک کرده و همه آن ها را عادل قرار داده است؛ از این رو باید در راه آنان گام برداشت و هر چه از آنان نقل می شود که با متن صریح قرآن و سنت مخالفت و منافات دارد، تأویل کرد. آنان در این دیدگاه به آیاتی از قرآن حکیم و احادیثی که در منابع خود از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله درباره فضایل صحابه نقل کرده اند، استدلال نموده اند.

البته مشهورترین حدیثی که در این زمینه نقل کرده اند این حدیث است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أصحابی كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم؛

اصحاب من به سان ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید هدایت خواهید یافت.

همان گونه که گفتیم نوشتار حاضر این حدیث را بررسی و نقد خواهد کرد که در آغاز با مراجعه به منابع اهل سنت دیدگاه پیشوایان بزرگ و حافظان آنان روشن خواهد شد.

بخش یکم سخنان پیشوایان بزرگ و حافظان اهل سنت در حدیث النجوم ...

سخنان روشن ...

اشاره

حقیقت این است که گروه بسیاری از دانشمندان و پیشوایان حدیثی، تفسیری، اصولی و رجالی اهل سنت به صراحت، حدیث «النجوم» را با تمام متون و سندهایش ضعیف دانسته اند؛ به گونه ای که جای هیچ گونه شک و تردیدی نمانده که این حدیث از درجه اعتبار و استناد ساقط است.

اینک عین عبارات برخی از عالمان اهل سنت را درباره حدیث «النجوم» با نگاهی گذرا به شرح حال آنان می آوریم. (۱)

ص: ۱۷

۱- . گفتنی است مطالبی که در تکریم و بزرگداشت علمای اهل تسنن نقل می شود، برای نشان دادن اهمیت و جایگاه آنان در بین اهل تسنن در جهت تکذیب حدیث ساختگی «النجوم» است، و گرنه این تأییدات مورد قبول شیعیان نیست

۱. احمد بن حنبل شیبانی و نگاهی به شرح حال او ...

احمد بن حنبل شیبانی متوفای سال ۲۴۱ هجری حدیث «النجوم» را صحیح و معتبر نمی داند. این دیدگاه را گروهی از دانشمندان اهل سنت نقل کرده اند؛ برای نمونه ابن امیر الحاج در کتاب التقریر والتحییر فی شرح التحریر، ابن قدامه در کتاب المنتخب و امیر پادشاه حنفی در التیسیر فی شرح التحریر. (۱)

همه کتاب های رجالی به شرح حال احمد بن حنبل پرداخته اند.

ذهبی درباره او می نویسد:

احمد بن حنبل شیخ الاسلام و آقای مسلمانان در عصر خود بود.

وی حافظ و حجّتی برای مسلمانان بود.

علی بن مدینی درباره او می گوید: به راستی خداوند این دین را در روزگاری که قبایل عرب بعد از رسول خدا صلی الله علیه وآله مرتد شدند، به دست ابوبکر صدیق و در روز محنت به دست احمد بن حنبل تأیید کرد.

ابوعبیده نیز درباره او اظهار نظر کرده است. وی می گوید: علم به چهار تن پایان یافت که فقیه ترین آنان احمد بن حنبل بود.

ص: ۱۸

۱- . التقریر والتحییر: ۳ / ۹۹، التیسیر فی شرح التحریر: ۳ / ۲۴۳، سلسله الاحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱ / ۷۹

ابن معین به نقل از ابن عیاش درباره احمد بن حنبل چنین می گوید: علما می خواستند من همانند احمد بن حنبل بشوم، به خدا سوگند، من همانند او نشدم.

همام سکونی نیز درباره او سخن گفته است. وی می گوید:

احمد بن حنبل نظیر خود را ندیده است.

محمد بن حماد طهرانی گوید: از ابانور شنیدم که می گفت:

احمد بن حنبل از ثوری عالم تر- یا فقیه تر- است. (۱)

۲. ابوابراهیم مزنی و نگاهی به شرح حال او ...

از دانشمندان دیگری که حدیث «النجوم» را صحیح ندانسته ابوابراهیم مزنی شاگرد و مصاحب شافعی است. وی متوفای سال ۲۶۴ هجری است. حافظ ابن عبدالبرّ سخن او را چنین نقل می کند:

مزنی درباره گفتار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله: «أصحابی کالنجوم» می گوید:

اگر این حدیث صحیح باشد به این معناست که در آن چه اصحاب از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده اند و مواردی که برای آن شاهد

ص: ۱۹

۱- برای آگاهی بیشتر درباره احمد بن حنبل: ر. ک: تاریخ بغداد: ۴/۴۱۲، حلیه الأولیاء: ۹/۱۶۱، طبقات الشافعیه: ۲/۲۷-۶۳، تذکره الحفاظ: ۲/۱۷، وفيات الأعیان: ۱/۴۷، شذرات الذهب: ۲/۹۶، النجوم الزاهره: ۲/۳۰۴ ...

می گیرند می توان به آن ها اقتدا کرد؛ بنابراین، همه اصحاب مورد اعتماد و در آن چه از پیامبر نقل می کنند، امین هستند. به نظر من معنای حدیث فقط همین است.

اما مواردی که اصحاب از دید و نظر خود سخن گفته اند؛ اگر در نزد خود مورد قبول بود؛ برخی از آنان برخی دیگر را خطا کار نمی دانستند و یک دیگر را انکار نمی کردند، و کسی از آنان به سخن صحابی دیگر مراجعه نمی کرد. پس تدبّر کن و ببیندیش! (۱) آن چه برای بحث ما مفید است عبارتی است که می گوید: «اگر این روایت صحیح باشد». اما قضاوت درباره معنایی را که از حدیث «النجوم» بیان کرده به محققان حدیث شناس واگذار می نمایم. (۲) اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابوابراهیم مزنی داریم با این

ص: ۲۰

۱- . جامع بیان العلم وفضله: ۲/ ۹۲۳

۲- . البانی یکی از معاصران می گوید: به نظر می رسد که متون این حدیث بر خلاف معنایی است که مزنی از آن برداشت کرده است؛ بلکه منظور، سخنانی است که صحابه طبق رأی خود گفته اند. بنابراین، معنای حدیث، دلیل دیگری بر جعلی و ساختگی بودن حدیث بوده و سخن پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نیست؛ چرا که چگونه ما می توانیم تصور کنیم که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله به ما اجازه اقتدا به هر صحابی بدهد با این که در بین آنان عالم، متوسط در علم و کم دانش ... وجود دارد؟! سلسله الاحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱/ ۸۲

سخن که همه شرح حال نویسان از او تمیجد کرده اند. (۱) یافعی درباره او می نویسد: فقیه و امام ابوابراهیم اسماعیل بن یحیی مزنی مصری شافعی، مردی زاهد، عابد، مجتهد، مناظره گر و ژرف نگر در معانی دقیق بود و جمع زیادی نزد او به تحصیل علم مشغول بودند.

شافعی درباره او می گوید: مزنی یاور مذهب من است.

وی پیشوای شافعی ها و آشناترین آن ها به طرق و فتوهای شافعی و آن چه از او نقل می کنند، می باشد. کتاب های بسیاری نگاشته و در نهایت پارسایی بود و در زهد و احتیاط، راه سختی را می پیمود، دعایش مستجاب می شد و هیچ یک از اصحاب شافعی، خود را از او مقدم نمی دانستند، او متصدی غسل دادن امام شافعی شد.

۳. ابوبکر بزار و نگاهی به شرح حال او ...

حافظ ابوبکر بزار نیز در حدیث «النجوم» طعن و ایراد وارد کرده و جهات ضعف آن را آشکار ساخته است. حافظ ابن عبدالبرّ می نویسد:

محمد بن ابراهیم بن سعید با قرائت به من نقل کرد که محمد بن

ص: ۲۱

۱- . برای آگاهی بیشتر در این باره ر. ک: وفيات الأعيان: ۱/۱۹۶، مرآة الجنان: ۲/۱۷۷ و ۱۷۸، طبقات الشافعية: ۲/۹۳ و

۱۰۹، العبر: ۲/۲۸، حسن المحاضرة: ۱/۳۰۷

احمد بن یحیی نقل کرده که ابوالحسن محمد بن ایوب رقی گوید:

ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق گوید: از او درباره حدیث هایی که در دست عموم مردم است و از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله نقل می کنند پرسیدم که می گویند: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

إِنَّمَا مِثْلُ أَصْحَابِي كَمِثْلِ النُّجُومِ - أَوْ أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ - فَأَيُّهَا اقْتَدُوا اهْتَدُوا؛

همانا مثل اصحاب من به سان ستارگان است - یا اصحاب من مانند ستارگانند - به هر یک از آنان اقتدا کنید راه می یابید.

این گفتار به طور صحیح و به روایت درست از پیامبر صلی الله علیه و آله نرسیده است. این حدیث را عبدالرحیم بن زید عمی، از پدرش، از سعید بن مسیب، از ابن عمر، از پیامبر صلی الله علیه و آله نقل کرده است و در برخی از جاها عبدالرحیم از پدرش، از ابن عمر نقل کرده و سعید بن مسیب را حذف کرده است.

از سویی ضعف این حدیث از طرف عبدالرحیم بن زید است؛ چرا که علمای حدیث از نقل حدیث او خودداری کرده اند.

از سوی دیگر این گفتار از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله ناشناخته است و با آن حضرت تناسبی ندارد؛ زیرا که با سندهای صحیح از پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حدیثی نقل شده که فرمود:

علیکم بسنتی وسنه الخلفاء الراشدین المهدیین بعدی عضوا علیها بالنواجذ؛

بر شما باد که از سنت خلفای راشدین هدایت یافته بعد از من پیروی کنید و در این راه استوار باشید.

اگر حدیث عبدالرحیم ثابت شود، این حدیث با آن تعارض دارد؛ در صورتی که حدیث عبدالرحیم ثابت نشده است و دیگر معارضه ای نیست.

از طرف دیگر، پیامبر خدا صلی الله علیه وآله اختلاف پس از خود را جایز نمی داند و خداوند دانایتر است. (۱) در این سخن بزّار از چند جهت بر حدیث «النجوم» ایراد وارد می شود و درباره حدیث «علیکم بسنتی وسنه الخلفاء الراشدین المهدیین» در نوشتاری جداگانه بحث شده است. (۲) پس از بیان دیدگاه ابوبکر بزّار نگاهی کوتاه به شرح حال او داریم. وی متوفای سال ۲۹۲ هجری است. شرح حال نویسان پیرامون او مطالبی بیان کرده اند. ذهبی در تذکره الحفاظ می نویسد:

ص: ۲۳

-
- ۱- جامع بیان العلم وفضله: ۲/ ۹۲۳ و ۹۲۴. ر. ک: اعلام الموقعین: ۲/ ۲۳۲، البحر المحیط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۸ و ...
 - ۲- ر. ک: سنت پیامبر یا سنت خلفا؟! سلسله پژوهش های اعتقادی شماره ۲۳ از همین نگارنده

حافظ علامه ابوبکر احمد بن عمرو بن عبدالخالق بصری نگارنده مسند کبیر و کتاب معلل. او از افرادی چون هدبه بن خالد، عبدالاعلی بن حماد، حسن بن علی بن راشد، عبدالله بن معاویه جمحی، محمد بن یحیی بن فیاض زمانی و هم طبقه های آنان حدیث شنیده است.

راویانی چون عبدالباقی بن قانع، محمد بن عباس نجیح، ابوبکر ختلی، عبدالله بن حسن، ابوالشیخ و افراد کثیری از او حدیث نقل کرده اند.

وی در پایان زندگی خویش به شهر اصفهان، شام و نواحی دیگر مهاجرت کرد تا علم و دانش خود را پخش نماید. دارقطنی شرح حال او را نوشته و پس از تمجید او می گوید: بزار فرد مورد اعتمادی است که گاهی خطا می نماید و به حافظه خود تکیه می نماید. (۱)

۴. ابن عدی و نگاهی به شرح حال او ...

از دانشمندان دیگری که حدیث «النجوم» را آورده حافظ ابواحمد عبدالله بن عدی معروف به ابن قطان است. او در کتاب الکامل - که درباره راویان ضعیف و کسانی که مورد خدشه و قدح واقع شده اند

ص: ۲۴

۱- برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: تاریخ بغداد: ۴/ ۳۳۴، تذکره الحفاظ: ۲/ ۲۲۸، شذرات الذهب: ۲/ ۲۰۹، تاریخ اصفهان: ۱/ ۱۰۴، میزان الاعتدال: ۱/ ۵۹، العبر: ۲/ ۹۲

و روایات ساختگی آنان نگاشته شده است- در ضمن شرح حال جعفر بن عبدالواحد هاشمی قاضی و حمزه نصیبی- آن سان که- ان شاء الله- به زودی در گفتار حافظ زین عراقی خواهد آمد- به آن می پردازد.

اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابن عدی داریم. دانشمندان درباره او تمجید فراوانی کرده اند. سمعانی درباره او می نویسد:

حافظ ابواحمد عبدالله بن علی بن محمد گرگانی معروف به ابن قطان حافظ دوران خویش است. وی به اسکندریه و سمرقند مهاجرت کرد و وارد شهرهای دیگر شد و اساتیدی را درک کرد. وی حافظ متقن بود که همانندی در زمان خود نداشت. حمزه بن یوسف سهمی گوید: از دارقطنی درخواست کردم که کتابی درباره محدثان ضعیف بنگارد. گفت: آیا کتاب ابن عدی را نداری؟

گفتم: آری.

گفت: همان کتاب بس است و چیزی به آن افزوده نمی شود.

ابن عدی در سال ۳۶۵ هجری درگذشت. (۱)

ص: ۲۵

۱- . برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: الانساب، نسب جرجانی، تذکره الحفاظ: ۳ / ۱۶۱، شذرات الذهب: ۳ / ۵۱، مرآة الجنان: ۲ / ۳۸۱، العبر: ۲ / ۳۳۷ ...

۵. ابوالحسن دارقطنی و نگاهی به شرح حال او ...

از دانشمندانی که حدیث «النجوم» را تضعیف کرده، حافظ دارقطنی متوفای سال ۳۸۵ هجری است. حافظ ابن حجر عسقلانی گوید: وی در کتاب غرائب مالک به این حدیث اشاره کرده و آن را تضعیف نموده است (۱) که متن گفتار او خواهد آمد.

سیره نویسان از ابوالحسن دارقطنی با تعظیم فراوان یاد کرده اند.

ابن کثیر در این باره می نویسد:

حافظ بزرگ علی بن عمر بن احمد بن مهدی بن مسعود بن دینار بن عبدالله دارقطنی، استاد علم جرح و تعدیل از عصر خود تا زمان ما بود. وی راویان بسیاری را دیده بود، او نگارنده و منتقد ماهر یگانه دوران و پیشوای عصر خود در رجال شناسی و علم و جرح و تعدیل بود و کتاب ارزشمندی در این زمینه تألیف و جمع آوری کرد. از روایات بسیاری آگاهی داشت و در علم درایه اطلاع تمام داشت.

کتاب او بهترین کتاب در این زمینه بوده و مشهور است؛ نه از پیشینیان به این تألیف پیشی گرفته اند و نه از آیندگان بدین شکل خواهند توانست کتابی بنگارند، مگر این که از دریای علم او یاری طلبند و به سان او عمل کنند.

ص: ۲۶

وی کتاب دیگری به نام العلل دارد. در این کتاب به درستی، موارد و اصطلاحات حدیثی را بیان کرده است. کتاب دیگر او الافراد است که کسی را توان فهم آن نیست، مگر این که از حافظان یگانه و پیشوایان نقدگر و بزرگان دانش و ژرف نگر باشد ...

دارقطنی از دوران کودکی با حافظه سرشار، فهم تیز و دریای ژرف توصیف می شد.

حاکم نیشابوری درباره او گوید: نظیر دارقطنی دیده نشده است.

ابن جوزی گوید: دارقطنی علوم و فضایی را در خود گرد آورده بود که حدیث شناسی، علم قرآنت، علم نحو، فقه، شعر را با پیشوایی، عدالت و صحت عقیده جمع کرده بود.

از دارقطنی پرسیدند: آیا فردی نظیر خود را دیده ای؟

پاسخ داد: درباره یک فن گاهی افرادی دیده ام که از من برتر بودند؛ ولی در فنون و علوم گوناگونی که من دارم کسی را ندیده ام.

۶. ابن حزم اندلسی و نگاهی به شرح حال او ...

یکی دیگر از عالمانی که با صراحت حدیث «النجوم» را تکذیب و بر بطلان آن حکم کرده ابن حزم اندلسی در گذشته سال ۴۵۶ هجری است. وی با صراحت بیان داشته که این حدیث ساختگی است.

گروهی از دانشمندان اهل سنت این مطلب را از او نقل کرده اند.

ابوحیان به هنگام نقل این حدیث می گوید:

حافظ ابو محمد علی بن احمد بن حزم در نوشتاری که در ابطال رأی و قیاس و استحسان و تعلیل و تقلید دارد، چنین می نویسد: این خبری دروغین، ساختگی و باطل است و هرگز صحیح نیست. (۱) شرح حال نگاران به شرح حال ابن حزم اندلسی پرداخته اند.

ابن حجر عسقلانی درباره او می نویسد:

او فقیه، حافظ، ظاهری مذهب (۲) و نویسنده کتاب های فراوانی است. وی جداً از قدرت حفظ بالایی برخوردار بود و احادیث فراوانی را در حفظ داشت؛ ولی به دلیل اطمینانی که به حافظه اش داشت، در سخن گفتن بی پروا بود؛ نظیر اظهار نظر در جرح و تعدیل افراد و تبیین نام راویان. از این رو تصوّرات زشتی نسبت به او ایجاد می شد.

صاعد بن احمد ربعی درباره او می گوید: در میان همه اندلسی ها، ابن حزم در علوم، جامع تر و از معارف سرشارتر بود. با وجود این، ابن حزم در دانش بیان مهارت داشت، از علم بلاغت بهره مند بود و به سیره و انساب نیز آشنا بود.

ص: ۲۸

۱- البحر المحيط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۸، ر. ک: سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه: ۷۸/ ۱

۲- این مذهب فرقه ای از اهل تسنن است که به ظواهر الفاظ روایات عمل می کنند و هیچ گونه تأویل و توجیهی را قبول ندارند

حُمیدی او را این گونه وصف می کند:

وی حافظ حدیث بود و قدرت استنباط احکام را از کتاب و سنت داشت. در علوم بسیاری متخصص و عامل به علمش بود. در ذکاوت، سرعت حافظه، تدبیر و کرامت نفس همانند او را ندیدم. وی در روایات و حدیث شناسی بسیار توانمند بود.

تاریخ نویس اندلسی، ابو مروان ابن حبان نیز به توصیف او پرداخته و او را این گونه معرفی می کند:

ابن حزم در حدیث، فقه، نسب و ادبیات متخصص بود؛ افزون بر این که از انواع دانش های قدیمی نیز آگاهی داشت. البته تخصص های او به دور از اشتباه نبود؛ زیرا با جرأت در پی تمام فنون رفته بود. (۱) شرح حال ابن حزم در دیگر کتاب های اهل سنت نیز آمده است. (۲)

۷. احمد بن الحسین بیهقی و نگاهی به شرح حال او ...

از دیگر دانشمندان اهل سنت که حدیث «النجوم» را تضعیف کرده، حافظ ابوبکر بیهقی در گذشته سال ۴۵۷ هجری است. آن سان که

ص: ۲۹

۱- . لسان المیزان: ۴ / ۲۳۹ - ۲۴۱

۲- . برای آگاهی درباره ابن حزم ر. ک: نفع الطیب: ۱ / ۳۶۴، العبر: ۳ / ۲۳۹، وفيات الأعیان: ۳ / ۷ - ۱۳، تاج العروس: ۸ / ۲۴۵،

لسان المیزان: ۴ / ۱۹۸

حافظ ابن حجر عسقلانی نقل کرده وی در کتاب المدخل حدیث «النجوم» را تضعیف کرده است. (۱) کتاب های رجالی اهل سنت از ستایش بیهقی مملو است.

ابن تغری بردی گوید: احمد بن حسین بن علی بن عبدالله حافظ ابوبکر بیهقی در سال ۳۸۴ هجری دیده به جهان گشود. وی در علم حدیث و فقه یگانه دوران خویش بود، کتاب های بسیاری به رشته تحریر درآورد و نصوص امام شافعی را در ده مجلد جمع آوری کرد و در جمادی الثانی در نیشابور دیده از جهان فرو بست. (۲)

۸. ابن عبدالبر و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که به بررسی و نقد حدیث «النجوم» پرداخته حافظ ابو عمر ابن عبدالبر در گذشته سال ۴۶۳ هجری است. وی در این باره می نویسد:

ابوشهاب حناط از حمزه جزری از نافع نقل می کند که ابن عمر گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

ص: ۳۰

۱- الکاف الشاف فی تخریج احادیث الکشاف: ۶۰۴ / ۲

۲- برای آگاهی بیشتر در شرح حال بیهقی ر. ک: شذرات الذهب: ۳ / ۳۰۴، طبقات الشافعیه: ۴ / ۱۶۸، العبر: ۳ / ۲۴۲، النجوم الزاهره: ۵ / ۷۷، وفيات الأعیان: ۱ / ۵۷ و ۵۸، تذکره الحفاظ: ۳ / ۳۰۹

إِنَّمَا أَصْحَابِي مِثْلَ النُّجُومِ فَأَيُّهُمْ أَخَذْتُمْ بِقَوْلِهِ اهْتَدَيْتُمْ؛

همانا اصحاب من مانند ستارگان هستند، به گفتار هر یک عمل کنید هدایت یافته اید.

این اسناد صحیح نیست و از نافع کسی روایت نمی کند که بتوان به گفتار او احتجاج کرد. این حدیث را با سند دیگری بزار نقل کرده است. در آن سند آمده است: احمد بن عمر، از عبد بن احمد، از علی بن عمر، از قاضی احمد بن کامل، از عبدالله بن روح، از سلام بن سلیم، از حارث بن غصین، از اعمش، از ابی سفیان نقل می کند که جابر گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

أَصْحَابِي كَالنُّجُومِ بَأَيُّهُمْ اقْتَدَيْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ؛

اصحاب من به سان ستارگانند، به هر یک اقتدا کنید هدایت یافته اید.

ابوعمر و گوید: بر این اسناد هیچ دلیل و حجتی قائم نشده است؛ چرا که حارث بن غصین فرد مجهول و ناشناخته ای است. (۱)

با این سخن، نگاهی اجمالی به شرح حال ابن عبدالبرّ داریم.

سیره نویسان با احترام تمام به شرح حال او پرداخته اند. ذهبی درباره او می نویسد:

ص: ۳۱

وی امام، حافظ و شیخ الاسلام کشور مغرب بود. در ربیع الثانی سال ۳۶۸ هجری دیده به جهان گشود و در دوران کودکی به تحصیل علم حدیث پرداخت و در حفظ حدیث و دقت و ژرف نگری سرور دوران خویش گردید.

ابوولید باجی گوید: در اندلس کسی هم چون ابو عمر در علم حدیث نبود.

ابن حزم گوید: کتاب التمهید نگارش دوست ما ابو عمر است. من در علم کلام بر محور فقه حدیث کسی را همانند او سراغ ندارم تا چه رسد که از او بهتر باشد.

ابن سکره نیز درباره او این گونه ابراز کرده است: از ابوولید باجی شنیدم که می گفت: ابو عمر حافظترین فرد کشور مغرب بود.

حمیدی نیز درباره او سخن گفته است. وی می گوید: ابو عمر فقیه، حافظ، کثیر الحدیث، عالم به قرآت و اختلاف قرآن، دارای علوم حدیث و رجال، بزرگ شده علم حدیث که در نظریات فقهی به اقوال شافعی تمایل داشت. (۱)

ص: ۳۲

۱- برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: وفيات الأعیان: ۶/ ۶۳، مرآة الجنان: ۳/ ۸۹، المختصر: ۲/ ۱۸۷ و ۱۸۸، العبر: ۳/ ۲۵۵، تذکره الحفاظ: ۳/ ۳۴۹، تاج العروس: ۳/ ۳۷

۹. علی بن حسن ابن عساکر و نگاهی به شرح حال او ...

یکی دیگر از بزرگان علمای اهل سنت که حدیث «النجوم» را تضعیف کرده، حافظ ابوالقاسم ابن عساکر است که متن سخن او در ضمن سخن مناوی خواهد آمد. عده ای از شرح حال نویسان با ستایش و تعریف به شرح حال او پرداخته اند. یافعی او را این گونه توصیف می کند:

فقیه، امام، محدث زبردست، حافظ ژرف نگر و ضابط، دارای علوم گسترده، شیخ الاسلام و محدث شام، یاور سنت نبوی، برکننده بدعت ها، زینت حافظان، دریای موج علوم، رئیس محدثان، به پیشوایی او اقرار شده، عارف ماهر، مورد اعتماد در دین، ابوالقاسم علی بن حسن هبه الله بن عساکر؛ همو که در دوران خود به شأن والا مشهور بود و در بین معاصرینش همانند او دیده نشد.

او جامع بین علوم معقول و منقول و تمیز دهنده بین حدیث درست از نادرست بود. او از محدثان دوران خود بود و از بزرگان فقهای شافعی به شمار می رفت. در علوم حدیث پیشرفت کرده و بدین علم شهرت یافت. او حافظ دینداری بود که علم شناخت متون و سندها را با هم گرد آورد ... (۱)

ص: ۳۳

۱- . برای آگاهی بیشتر درباره او ر. ک: طبقات الشافعیه: ۴/ ۲۷۳، المختصر: ۳/ ۵۹، وفيات الأعیان: ۲/ ۴۷۱، العبر: ۳/ ۲۱۲، مرآه الجنان: ۳/ ۳۹۳، تتمه المختصر: ۲/ ۱۲۴، معجم الادباء: ۱۳/ ۷۷۳ و ۷۸، البدایه و النهایه: ۱۲/ ۲۹۴

۱۰. ابن جوزی و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که حدیث «النجوم» را پذیرفته، حافظ ابن جوزی است. وی در کتاب العلل المتناهیة می نویسد:

نعیم بن حماد از عبدالرحیم بن زید عمی، از پدرش، از سعید بن مسیب نقل می کند که عمر بن خطاب گوید:

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود: از پروردگرم درباره مواردی که اصحابم اختلاف خواهند کرد پرسیدم.

خداوند به من وحی نمود:

یا محمد! إِنَّ أصحابك عندی بمنزله النجوم فی السماء، بعضها أضوأ من بعض فمن أخذ بشیء مما علیه من اختلافهم، فهو علی هدی؛

ای محمد! به راستی اصحاب تو در پیشگاه من به سان ستارگان در آسمان هستند که برخی از آنان از برخی دیگر نورانی تر و درخشنده تراند. پس هر کس به موردی که آنان اختلاف دارند عمل کند راه یافته است.

حافظ ابن جوزی پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث

صحیح نیست؛ چرا که نعیم بن حماد از راویانی است که مورد جرح و قدح قرار گرفته است. یحیی بن معین گوید: عبدالرحیم، راوی دیگر این حدیث، دروغ گو است. (۱) از طرفی، شرح حال نویسان با تمجید شایانی از ابن جوزی یاد کرده اند. ابن خَلَّکان در توصیف وی گوید:

ابوالفرج عبدالرحمان بن ابوالحسن علی بن محمّد بن علی بن عبیدالله بن عبدالله بن حمّادی بن احمد بن محمّد بن جعفر جوزی، از فقهای حنبلی، واعظی که به جمال الدین حافظ لقب یافته بود. وی علامه دوران خود و پیشوای زمان خویش در علم حدیث و صناعتِ وعظ و سخنرانی بود و کتاب هایی در فنون گوناگون تألیف کرده است. (۲) او در سال ۵۹۷ هجری درگذشت.

۱۱. ابن دحیه و نگاهی به شرح حال او ...

حافظ ابن دحیه در گذشته ۶۳۳ هجری نیز بر حدیث «النجوم» ایراد گرفته و صحت آن را نفی کرده است. حافظ زین العراقی می نویسد: ابن دحیه پس از نقل حدیث «أصحابی كالنجوم» می نویسد:

ص: ۳۵

۱- العلل المتناهیة فی الأحادیث الواهیة: ۱/ ۲۸۳ و ر. ک: فیض القدیر: ۴/ ۱۰۱

۲- برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: البدایه والنهایه: ۱۳/ ۲۸، و فیات الأعیان: ۲/ ۳۲۱ و ۳۲۲، تتمه المختصر: ۲/ ۱۱۸، الأعلام: ۴/ ۸۹ و ۹۰

این حدیث صحت ندارد. (۱) شرح حال نویسان با تمیجد و ثنا از ابن دحیه یاد کرده اند.

جلال الدین سیوطی در حسن المحاضرہ دربارہ او می نویسد:

امام، علامه و حافظ بزرگ ابوالخطّاب عمر بن حسن حدیث شناسی که برای آن علم اهمیت به سزایی قائل بود. وی بهره فراوانی از علم لغت و ادبیات عرب برده بوده که آثاری از او بر جای مانده است. وی در مصر اقامت گزید، و تربیت شاهزاده را عهده دار بود و در مدرسه کاملیه به تدریس مشغول شد. (۲)

۱۲. ابوحنّان اندلسی ...

دانشمند و حافظ دیگری که حدیث «النجوم» را زیر سؤال برده حافظ ابوحنّان اندلسی متوفای سال ۷۴۵ هجری است. وی پژوهش ارزنده ای پیرامون این حدیث دارد. به لحاظ فوایدی که این پژوهش دارد عین سخن او را می آوریم:

زمخشری گوید: اگر بگویی: چگونه قرآن بیان گر هر چیزی است؟

در پاسخ می گویم: منظور آن است که قرآن همه موارد امور دینی

ص: ۳۶

۱- . تخریج احادیث المنهاج، بیضاوی: ۸۵

۲- . برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: بغیة الوعاه: ۲/ ۲۱۸، شذرات الذهب: ۴/ ۱۶۰، وفيات الأعیان: ۳/ ۱۲۱، حسن المحاضرہ: ۱/ ۳۵۵

را بیان کرده و روشن ساخته است؛ چرا که برخی از آن موارد را تصریح نموده و برخی دیگر را به سنت ارجاع داده است، آن جا که به پیروی و فرمان بری از رسول خدا صلی الله علیه و آله امر کرده و فرموده است:

«وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ»؛ (۱)

او پیامبری است که از هوا و خواسته خویش سخن نمی گوید.

از طرفی، به اجماع و اتفاق نظر ترغیب و تشویق نموده است، آن جا که می فرماید:

«وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ»؛ (۲)

و چنین فردی از غیر راه مؤمنان پیروی می کند.

و از سوی دیگر رسول خدا صلی الله علیه و آله برای امت خود، پیروی از اصحاب و اقتدا به آثار آنان را پسندیده است، آن جا که می فرماید:

أَصْحَابِي كَالنَّجْمِ بِأَيْهِمْ اِقْتَدَيْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ؛

اصحاب من به سان ستارگان هستند به هر کدام اقتدا کنید، هدایت خواهید یافت.

در این راستا امت اسلامی کوشیدند و راه های قیاس و اجتهاد را پیمودند و سنت، اجماع، قیاس و اجتهاد به تبیین کتاب مستند شد و از

ص: ۳۷

۱- .سوره نجم: آیه ۳

۲- .سوره نساء: آیه ۱۱۵

این روی قرآن مجید بیان گر هر چیزی شد. (۱) ابوحنّان اندلسی پس از نقل سخن زمخشری می نویسد:

وی می گوید: رسول خدا صلی الله علیه وآله برای امت خود، پیروی از اصحاب را پسندیده است؛ تا آن جا که حدیث «النجوم» را نقل می کند؛ در صورتی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله چنین سخنی را نفرموده و این حدیث، حدیثی جعلی و ساختگی است که به هیچ وجه از آن حضرت صادر نشده است.

حافظ ابو محمد علی بن احمد بن حزم در نوشتاری که در ابطال رأی، قیاس، استحسان، تعلیل و تقلید نگاشته، چنین می گوید: این خبری دروغین، ساختگی و باطل است و هرگز از رسول خدا صلی الله علیه وآله صادر نشده، بزار صاحب مسند اسناد آن را ذکر کرده است. وی می گوید: درباره روایتی که در دست عامه مردم است پرسیدید که از پیامبر صلی الله علیه وآله روایت شده که فرمود:

إنما مثل أصحابي كمثل النجوم - أو كالنجوم - بأئمتها اقتدوا اهتدوا؛

همانا مثل اصحاب من مثل ستارگان - یا هم چون ستارگان - هستند، به هر کدام اقتدا کنند هدایت خواهند یافت.

این حدیث به سند صحیحی از پیامبر صلی الله علیه وآله به ما نرسیده است؛ بلکه آن را عبدالرحیم بن زید عمی، از پدرش، از سعید بن مسیب از ابن عمر، از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل کرده است. ضعف حدیث از ناحیه عبدالرحیم است؛ چرا که عالمان درباره نقل روایات او سکوت کرده اند.

از طرفی، این سخن از شخص رسول خدا صلی الله علیه وآله منکر و ناشناخته و ثابت نشده است و آن بزرگوار، اختلاف اصحاب را پس از خود روا نمی داند.

ابوحیان اندلسی پس از نقل سخن بزّار می نویسد: ابن معین درباره عبدالرحیم بن زید می گوید: او فردی دروغ گو و خبیثی است که اعتباری ندارد.

بخاری هم می گوید: او متروک است.

البته حمزه جزری نیز این روایت را نقل کرده است که او نیز فرد ساقط و متروک است. (۱)

نگاهی به شرح حال ابوحنّان اندلسی ...

اینک نگاهی کوتاه به شرح حال ابوحنّان اندلسی متوفای ۷۴۵ هجری داریم. شرح حال نویسان با مدح و ثنای فراوان از او یاد کرده اند. ابن عماد می نویسد:

ص: ۳۹

امام، اثیر الدین ابوحنّان لغت شناس، مفسّر، محدّث، نحوی، قاری، تاریخ نگار و ادیب عصر خود بود. او به طلب علم حدیث روی آورد و به بهترین وجه آن را فرا گرفت و در علوم تفسیر، ادبیات عرب، قرائت، ادب، تاریخ به تحصیل مشغول شد و نامش مشهور شد و آوازه او در همه جا پیچید و بزرگان معاصرینش از او علوم را فرا گرفتند و در دوران زندگی او، پیشرفت کردند.

صفدی در توصیف او می گوید: هرگز در بین اساتید خود کسی که بیش از او اشتغال داشته باشد ندیده ام؛ زیرا او را ندیدم مگر این که یا تسبیح می گفت، یا می نوشت و یا مشغول مطالعه کتابی بود.

وی در نقل، ضابط و مسلط و آگاه به لغت بود. او پیشوای مطلق در علوم نحو و تصریف بود. بیشتر زندگی خویش را برای این فن سپری کرده بود؛ به گونه ای که در گوشه و کنار زمین کسی به پایه او نمی رسید. وی مهارتی فراوان در علوم تفسیر، حدیث و شرح حال مردم و سرگذشت آنان؛ به خصوص مردم کشور مغرب داشت.

ادفوی گوید: ابوحنّان فردی ضابط، راست گو، حجّت و دارای عقیده ای سالم بود. (۱)

ص: ۴۰

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الدرر الکامنه: ۴/ ۳۰۲، فوات الوفيات: ۲/ ۵۵۵، بغیه الوعاه: ۱/ ۲۸۰ و ۲۸۱، البدر الطالع: ۲/ ۲۸۸، طبقات القراء: ۲/ ۲۸۵، نفع الطیب: ۳/ ۲۸۹، شذرات الذهب: ۶/ ۱۴۵ و ۱۴۶، النجوم الزاهره: ۱۰/ ۱۱۱

۱۳. شمس الدین ذهبی و نگاهی به شرح حال او ...

شمس الدین ذهبی در گذشته سال ۷۴۸ هجری در چند جا از کتاب میزان الاعتدال به حدیث «النجوم» ایراد گرفته است.

یکی از آن موارد، در شرح حال جعفر بن عبدالواحد هاشمی قاضی است. وی در آن جا پس از نقل سخنان عالمان درباره جرح او می نویسد: از مطالب فاجعه آمیز او روایتی است که از وهب بن جریر، از پدرش، از اعمش، از ابوصالح نقل می کند که ابوهریره می گوید:

پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

أصحابی كالنجوم من اقتدی بشیء منها اهتدی؛ (۱)

اصحاب من مانند ستارگان هستند هر کس به چیزی از آن اقتدا کند هدایت یافته است.

ذهبی در مورد دیگر در ترجمه زید عمی پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث باطل است. (۲) اینک نگاهی کوتاه به شرح حال ذهبی داریم. همه کتاب های

ص: ۴۱

۱- میزان الاعتدال: ۲/ ۱۴۱ و ۱۴۲

۲- همان: ۳/ ۱۵۲

رجالی و راوی شناسی با ستایش و ثنای فراوان از او یاد کرده اند.

ابن تغری بردی در توصیف ذهبی می گوید:

شیخ، امام حافظ، مورخ، صاحب تألیفات مفید، شمس الدین ابو عبدالله ذهبی شافعی از حافظان مشهور است.

وی احادیث فراوانی را شنیده و به شهرهای بسیاری سفر کرده است. او نویسنده، مؤلف، مصنف و تاریخ نگار است. احادیث را تصحیح کرده و در علم حدیث و علوم وابسته به آن مهارت و تخصص داشت. به اصول دست یافته و آن را پردازش کرده است و قرائت های هفت گانه را بر گروهی از اساتید قراآت خوانده است. (۱)

۱۴. تاج الدین ابن مکتوم و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که به حدیث «النجوم» ایراد گرفته تاج الدین ابن مکتوم در گذشته سال ۷۴۹ هجری است. وی با استشهاد به سخن استادش ابوحنیفان از کتاب البحر المحيط - که پیش تر گذشت - متن گفتار او را در کتاب خودش می آورد. (۲)

ص: ۴۲

۱- . برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: الدرر الکامنه: ۳/ ۳۳۶-۳۳۸، طبقات الشافعیه: ۵/ ۲۱۶، فوات الوفیات: ۲/ ۳۷۰-۳۷۲، البدر الطالع: ۲/ ۱۱۰ و ۱۱۲، الوافی بالوفیات: ۲/ ۱۶۳-۱۶۸، شذرات الذهب: ۶/ ۱۵۳، النجوم الزاهره: ۱/ ۱۸۲، طبقات القراء: ۲/ ۷۱

۲- . الدر اللقیط من البحر المحيط چاپ شده در حاشیه البحر المحيط فی تفسیر القرآن: ۵/ ۵۲۷

گفتنی است ابن مکتوم دانشمندی است که هر سیره نویسی به شرح حال او پرداخته به نیکی از او یاد کرده است. جلال الدین سیوطی درباره او می نویسد:

احمد بن عبدالقادر بن احمد بن مکتوم تاج الدین ابومحمد قیسی دانشمندی که علوم فقه، نحو و لغت را در خود جمع کرده و کتاب تاریخ النجاه و الدرر اللقیط من البحر المحیط را نگاشته است. وی در ماه ذی حجه سال ۶۸۲ هجری پا به جهان نهاده و در سال ۷۴۹ دیده از جهان فرو بست. (۱)

۱۵. ابن قیم الجوزیه و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که به حدیث «النجوم» ایراد گرفته ابن قیم الجوزیه در گذشته سال ۷۵۱ هجری است. وی در بحث رد ادله مقلدین در چهل و پنجمین وجه آن می نویسد:

مقلدین می گویند: در صحت تقلید، حدیث مشهور «اصحاب من مانند ستارگانند به هر کدام اقتدا کردید، هدایت یافته اید» کفایت می کند.

این دلیل چندین پاسخ دارد:

ص: ۴۳

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الدرر الكامنه: ۱/ ۱۷۴، حسن المحاضره: ۱/ ۴۷، طبقات القراء: ۱/ ۷۰، الجواهر المضيئه فی طبقات الحنفیه: ۱/ ۷۵

یکم. این حدیث از طریق اعمش، از ابوسفیان، از جابر؛ و از حدیث سعید بن مسیب، از ابن عمر؛ و از طریق حمزه جزری، از نافع، از ابن عمر نقل شده است و هیچ یک از این ها ثابت نشده است.

ابن عبدالبرّ گوید: محمّد بن ابراهیم بن سعید برای ما نقل کرد که ابو عبدالله بن مفرج به آن ها گفته است که محمّد بن ایوب صموت گوید: بزار به ما گفت: و اما روایتی که از پیامبر صلی الله علیه وآله نقل می شود که فرموده است: «اصحاب من مانند ستارگان هستند به هر کدام از آنان اقتدا کنید هدایت یافته اید» این گفتار از رسول خدا صلی الله علیه وآله به طریق صحیح نرسیده است. (۱) اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابن قیّم الجوزیه داریم. در بیشتر کتاب های شرح حال نویسی از او تمجید شده است. ابن کثیر در حوادث سال ۷۵۱ هجری می نویسد:

شب پنجشنبه سیزدهم ماه رجب به هنگام اذان عشا صاحب ما شیخ امام، علامه شمس الدین امام الجوزیه دیده از جهان فرو بست. وی تحصیلات خود را با علم حدیث آغاز کرد و به علم و دانش مشغول شد و در علوم متعددی از جمله علم تفسیر، حدیث، کلام و فقه تبخّر یافت.

ص: ۴۴

او زیبا قرائت می کرد و اخلاق نیکویی داشت، بیشتر مهرورزی می نمود، به کسی حسادت نمی ورزید و کسی را اذیت نمی کرد، پشت سر کسی غیبت نمی نمود و از کسی کینه به دل نداشت. (۱)

۱۶. زین عراقی ...

حافظ دیگری که حدیث «النجوم» را نپذیرفته، حافظ زین الدین عراقی متوفای سال ۸۰۶ هجری است. وی در این باره می گوید:

حدیث «أصحابی كالنجوم بأيهم اقتديتم اهتديتم» را دارقطنی در کتاب الفضائل نقل کرده است. این حدیث را ابن عبدالبرّ در جامع بیان العلم از طریق خودش از حدیث جابر روایت کرده و گوید: بر صحت این اسناد هیچ حجت و دلیلی قائم نیست و نمی تواند دلیل باشد؛ زیرا که حارث بن غصین یکی از راویان آن، فرد مجهول و ناشناخته ای است.

از طرفی، عبد بن حمید در مسند و ابن عدی در الکامل از روایت حمزه بن ابی حمزه نصیبی، از نافع، از ابن عمر این حدیث را با متن «بأيهم أخذتم» به جای «اقتديتم» نقل کرده است و این اسناد به سبب حمزه، ضعیف است؛ چرا که وی به دروغ گویی متهم است.

ص: ۴۵

۱- برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: الدرر الكامنه: ۳/ ۴۰۰-۴۰۳، البدر الطالع: ۲/ ۱۴۳-۱۴۶، الوافی بالوفیات: ۲/ ۲۷۰-۲۷۲، بغیه الوعاه: ۱/ ۶۲ و ۶۳، تاریخ ابن کثیر: ۱۴/ ۲۳۴

از سوی دیگر، بیهقی نظیر این حدیث را در المدخل از حدیث عمر و ابن عباس نقل کرده و از طریق دیگر به طور مرسل آورده و گوید:

متن این حدیث مشهور؛ ولی اسناد آن ضعیف است و در این باره سندی ثابت نشده است.

بزار نیز آن را از روایت عبدالرحیم بن زید عمی، از پدرش، از ابن عمر روایت کرده و گوید: این حدیث ناشناخته است و صحیح نیست.

ابن حزم نیز درباره این حدیث اظهار نظر کرده است. وی می گوید: این حدیث دروغ، ساختگی و باطل است.

بیهقی درباره این حدیث گوید: بخشی از معنای حدیث «أصحابی كالنجوم» را حدیث ابوموسی - که مسلم نیشابوری آن را روایت کرده - می رساند. در آن حدیث پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرموده است:

النجوم أمنه لأهل السماء... وأصحابی أمنه لأمتی...؛ (۱)

ستارگان برای آسمانیان ایمنی بخشند... و اصحاب من برای امت من امان هستند...

ص: ۴۶

۱- . تخریج احادیث المنهاج، بیضاوی: ۸۱-۸۶. گفتنی است که به زودی تضعیف اسناد بیهقی در المدخل بیان خواهد شد؛ همان حدیثی که از ابن عباس نقل شده و حدیث «اختلاف» را در برمی گیرد

اینک نگاهی اجمالی به شرح حال زین الدین عراقی داریم. همه معجم نویسان شرح حال او را با ستایش و تعریف فراوان آورده اند.

ابن عماد در حوادث سال ۸۰۶ هجری می نویسد:

در این سال حافظ زین الدین عبدالرحیم بن عراقی شافعی که حافظ عصر خود بود ... دیده از جهان فرو بست. (۱)

۱۷. ابن حجر عسقلانی و نگاهی به شرح حال او ...

حافظ شهاب الدین ابن حجر عسقلانی نیز حدیث «أصحابی کالنجوم» را زیر سؤال برده و در تضعیف آن چنین می گوید:

این حدیث را دارقطنی در کتاب المؤلف از روایت سلام بن سلیم، از حارث بن غصین، از اعمش، از ابوسفیان، از جابر به صورت حدیث مرفوعه نقل کرده است، با این عنایت که سلام، از نظر روایت، فرد ضعیفی است.

از طرفی، دارقطنی این حدیث را در غرائب مالک از طریق حمید بن زید، از مالک، از جعفر بن محمد، از پدرش، از جابر نقل کرده است. در این حدیث آمده است:

ص: ۴۷

۱- . برای آگاهی بیشتر درباره او ر. ک: طبقات القراء: ۱ / ۳۸۲، الضوء اللامع: ۴ / ۱۷۱-۱۷۸، البدر الطالع: ۱ / ۳۵۴-۳۵۶،

شذرات الذهب: ۷ / ۵۵ و ۵۶

فَبَأَيِّ قَوْلِ أَصْحَابِي أَخَذْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ، إِنَّمَا مِثْلُ أَصْحَابِي مِثْلُ النُّجُومِ مَنْ أَخَذَ بِنَجْمِ مَنْهَا اهْتَدَى؛

پس هر گفتار از اصحاب مرا بگیریید هدایت خواهید یافت؛ چرا که مثل اصحاب من مثل ستارگان هستند، هر کس ستاره ای را برگزیند هدایت می یابد.

آن گاه دارقطنی گوید: نقل این حدیث از مالک ثابت نشده است و راویان پایین تر از مالک نیز مجهول و ناشناخته اند.

از سوی دیگر، این حدیث را عبد بن حمید و دارقطنی در کتاب الفضائل از حدیث حمزه جزری، از نافع، از ابن عمر نقل کرده اند؛ با این عنایت که راوی شناسان حمزه را به وضع و جعل حدیث متهم کرده اند.

قضاعی نیز این حدیث را در مسند الشهاب از حدیث ابوهریره روایت کرده است که یکی راویان آن سند، جعفر بن عبدالواحد هاشمی است که راوی شناسان او را تکذیب کرده اند.

ابن طاهر نیز این حدیث را از روایت بشر بن حسین، از زبیر بن عدی، از انس روایت کرده است که بشر نیز به کذب متهم است.

بیهقی نیز این حدیث را در المدخل از روایت جویر، از ضحاک، از ابن عباس روایت کرده است. گفتنی است که جویر فرد متروکی است.

از طرفی، همین حدیث را از روایت جویر، از جواب بن عبدالله

به صورت مرفوعه آورده است که حدیث مرسلی خواهد بود.

بیهقی پس از این می گوید: این متن مشهور است؛ ولی همه سندهای آن ضعیف هستند.

آن گاه در المدخل روایتی را از عمر به صورت مرفوعه نقل می کند که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

سألت ربِّي فيما يختلف فيه أصحابي من بعدى.

فأوحى إليّ: يا محمد! أنّ أصحابك عندي بمنزلة النجوم في السماء بعضها أضوأ من بعض، فمن أخذ بشيء مما هو عليه من اختلافهم فهو عندي على هدى؛

از پروردگارم درباره اختلاف اصحابم پس از خودم پرسیدم.

خداوند به من وحی فرمود: ای محمد! به راستی که اصحاب تو در پیشگاه من به سان ستارگان در آسمان هستند که برخی از برخی دیگر نورانی تر هستند. پس هر کس مطلبی را از آن ها اخذ کند؛ هر چند اختلافی باشد، در نزد من بر هدایت خواهد بود.

آن گاه در ذیل این حدیث گوید: یکی از راویان آن عبدالرحیم بن زید عمی است که از نظر راوی شناسان فرد متروکی است. (۱)

ص: ۴۹

اینک نگاهی گذرا به شرح حال ابن حجر عسقلانی داریم که در کتاب های سیره نویسی با تمام تکریم و تعظیم از او یاد شده است.

جلال الدین سیوطی درباره او می نویسد:

ابن حجر عسقلانی پیشوای حافظان در عصر خویش بود. وی قاضی القضاة بود که از همه سرزمین ها برای شاگردی او می آمدند و در دوران او هیچ حافظی جز او نبود. وی کتاب های بسیاری را نگاشت که موارد ذیل را می توان نام برد: شرح بخاری، تعلیق التعلیق، تهذیب التهذیب، تقریب التهذیب، لسان المیزان، الاصابه فی معرفه الصحابه، نکت ابن الصلاح، رجال الأربعة و شرح آن و الألقاب. (۱)

۱۸. ابن همام و نگاهی به شرح حال او ...

کمال الدین محمد بن عبدالواحد سیواسی معروف به ابن همام حنفی متوفای ۸۶۱ هجری، از پیشوایان بزرگ حنفی ها درباره حدیث «أصحابی کالنجوم» تصریح کرده که حدیث ناشناخته ای است. (۲) سیره نویسان با تجلیل و احترام خاصی به شرح حال او پرداخته اند. ابن عماد در حوادث سال ۸۶۱ هجری می نویسد:

ص: ۵۰

-
- ۱- برای آگاهی بیشتر در شرح حال او ر. ک: حسن المحاضره: ۱/ ۳۶۳-۳۱۶، البدر الطالع: ۱/ ۸۷-۹۲، الضوء اللامع: ۲/ ۳۶-۴۰، شذرات الذهب: ۸/ ۲۷۰-۲۷۳ و منابع دیگر
 - ۲- التحریر بشرح أمير بادشاه حسینی: ۳/ ۲۴۳، بحث اجماع

در این سال کمال الدین محمد بن عبدالواحد بن عبدالحمید بن مسعود سیواسی اسکندری معروف به ابن همام حنفی، امام و علامه دیده از جهان فرو بست.

در بغیه الوعاه آمده است:

ابن همام در علوم فقه، اصول، نحو، تصریف، معانی، بیان، تصوف، موسیقی و دیگر علوم، علامه ای محقق و مناظره کننده ای صاحب نظر بود. وی همواره می گفت: من در علوم معقول از هیچ کس تقلید نمی کنم ... (۱)

۱۹. ابن امیر الحاج و نگاهی به شرح حال او ...

عالم دیگری که به نقد حدیث «أصحابی کالنجوم» پرداخته، شمس الدین محمد بن محمد معروف به ابن امیر الحاج حنفی متوفای ۸۷۹ هجری است. وی وهن و سستی این حدیث را آشکار ساخته است، آن جا که می گوید:

درباره معارض بودن هر کدام از این دو حدیث «أصحابی کالنجوم» و «بخشی از دین خود را از عایشه بگیرید» گفته شده این دو

ص: ۵۱

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: البدر الطالع: ۱ / ۲۰۱ و ۲۰۲، حسن المحاضره: ۱ / ۴۷۴، بغیه الوعاه: ۱ / ۱۶۶- ۱۶۹، هدیه العارفین: ۲ / ۲۰۱، التیسیر فی شرح التحریر: ۱ / ۴ و ۳، شذرات الذهب: ۷ / ۲۹۸ و منابع دیگر

حدیث دلالت می کنند که پیروی از هر صحابه و عایشه جایز است؛ گرچه پیروی از آن ها با گفتار ابوبکر و عمر یا خلفای چهارگانه مخالف باشد.

در این باره می گوئیم: حدیث «أصحابی كالنجوم»، حدیث ناشناخته ای است؛ بنابر آن چه ابن حزم در رساله الکبری گفته: این حدیث دروغ، جعلی و باطل است و اگر بنا را بر کلام ابن حزم نگذاریم این حدیث با سندهایی از عمر، عبداللّه بن عمر، جابر، ابن عباس و انس با متون گوناگونی نقل شده است. نزدیک ترین متن، به متن یاد شده، متنی است که ابن عدی در الکامل و ابن عبدالبرّ در کتاب بیان العلم از ابن عمر نقل کرده اند. او می گوید: پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:

مَثَلُ أَصْحَابِي مِثْلُ النُّجُومِ يَهْتَدِي بِهَا، فَأَيُّهُمْ أَخَذْتُمْ بِقَوْلِهِ اهْتَدَيْتُمْ؛

مثل اصحاب من مثل ستارگان هستند، به گفتار هر یک عمل کنید هدایت یافته اید.

دارقطنی و ابن عبدالبرّ نیز از جابر این گونه نقل کرده اند. جابر گوید: پیامبر خدا صلی اللّه علیه و آله فرمود:

مَثَلُ أَصْحَابِي فِي أُمَّتِي مِثْلُ النُّجُومِ فَبِأَيُّهُمْ اقْتَدَيْتُمْ اهْتَدَيْتُمْ؛

مثل اصحاب من در امت من همانند مثل ستارگانند. پس به هر کدام از آن ها اقتدا کردید، هدایت یافته اید.

آری، هیچ یک از این روایات از طریق صحیح نرسیده؛ از این رو احمد بن حنبل گفته است: این حدیث، حدیث صحیحی نیست.

بزار نیز این حدیث را از پیامبر صلی الله علیه وآله از طریق صحیح نمی داند، مگر این که بیهقی در کتاب الاعتقاد گوید: این حدیث با سندی متصل و غیر قوی و در حدیث دیگر که سند منقطع است به ما رسیده است. البته حدیثی صحیح، بخشی از مفاهیم این حدیث را تأیید می کند که همان حدیث ابوموسی است که به طریق مرفوعه نقل شده است. (۱) اینک نگاهی به شرح حال ابن امیر الحاج داریم. دانشمندان بزرگ اهل سنت او را ستوده اند. ابن عماد گوید:

شمس الدین محمد بن محمد بن حسن معروف به ابن امیر الحاج حلبی از دانشمندان بزرگ حنفی ها در حلب بوده است.

وی پیشوایی دانشمند، نگاره ای که کتاب های ارزشمند و مشهوری را تألیف کرده است. بزرگانی پای درس او نشسته و به شاگردی او افتخار کرده اند. وی در پنجاه و چند سالگی در ماه رجب در شهر حلب دیده از جهان فرو بست. (۲)

ص: ۵۳

-
- ۱- . التقرير والتخیر فی شرح التحرير: ۳ / ۹۹، ر. ك: التیسیر فی شرح التحرير: ۳ / ۲۴۳
 - ۲- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ك: الضوء اللامع: ۹ / ۲۱۰، شذرات الذهب: ۶ / ۳۲۸، البدر الطالع: ۲ / ۲۵۴ و منابع دیگر

۲۰. حافظ سخاوی و آشنایی با او ...

دانشمند دیگری که درباره حدیث «أصحابی کالنجوم» اظهار نظر کرده، حافظ سخاوی است. وی در این باره می گوید:

حدیث «اختلاف امتی رحمه؛ اختلاف امت من رحمت است» را بیهقی در کتاب المدخل از سلیمان بن ابوکریمه، از جویبر، از ضحاک، از ابن عباس نقل می کند. ابن عباس گوید: روزی پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

مهما أوتیتم من کتاب الله فالعمل به لا عذر لأحد فی ترکه، فإن لم یکن فی کتاب الله فسئنه منی ماضیه، فإن لم یکن سنه منی فما قال أصحابی. إن أصحابی بمنزله النجوم فی السماء فأیما أخذتم به اهتدیتم، واختلاف أصحابی لکم رحمه؛

هر چه از کتاب خدا به شما داده شده بدان عمل کنید! هیچ کس در ترک آن، عذر و بهانه ای ندارد. اگر موضوعی در کتاب خدا نبود در آن باره سنتی از من جاری شده است. و اگر درباره آن موضوع سنتی نیز جاری نشده باشد، آن چه اصحاب من گویند پذیرفته است؛ چرا که اصحاب من به منزله ستارگان در آسمان هستند. پس هر کدام را گرفتید، هدایت یافته اید و اختلاف اصحاب من برای شما رحمت است.

حافظ سخاوی پس از نقل این حدیث می گوید: این حدیث را طبرانی و دیلمی در مسند خود با همین سند نقل کرده اند.

گفتنی است که یکی از راویان این حدیث جویبر است که به طور

جدّ در نقل حدیث فرد ضعیفی است. از طرفی، روایت ضحاک از ابن عیّاس منقطع است؛ یعنی بین ضحاک و ابن عیّاس فاصله طبقه ای وجود دارد. (۱) اینک با مراجعه به برخی از کتاب های شرح حال نویسی نگاهی گذرا به شخصیت حافظ سخاوی داریم. بیشتر کتاب های رجالی و تاریخی به شرح حال او پرداخته اند.

ابن عماد در حوادث سال ۹۰۲ هجری می نویسد:

در این سال بود که حافظ شمس الدین ابوالخیر محمّد بن عبدالرحمان بن محمّد بن ابی بکر بن عثمان بن محمّد سخاوی دیده از جهان فرو بست. وی در علوم فقه و عربی، قرآّت، حدیث و تاریخ مهارت یافت و در علوم فرائض، حساب، تفسیر، اصول فقه، میقات و دیگر علوم شرکت جست.

چیزهایی را که او خوانده و از او شنیده شده به گونه ای زیاد است که قابل شمارش نیست. او از گروه فراوانی که بیش از ۴۰۰ تن هستند، علم را فرا گرفته است و دانشمندان بسیاری به او اجازه فتوا، تدریس و املاء داده اند. موارد بسیاری از علوم را از استاد خود ابن حجر عسقلانی شنیده است؛ به گونه ای که علم جرح و تعدیل پس از او به

ص: ۵۵

۱- . المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهره علی الألسنه: ۴۶

سخاوی رسیده است تا جایی که گفته شده است: پس از ذهبی در علم رجال کسی - جز سخاوی - نبوده که راه و روش او را بپیماید. (۱)

۲۱. ابن ابی شریف شافعی و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که حدیث «أصحابی کالنجوم» را زیر سؤال برده، کمال الدین ابن ابی شریف شافعی در گذشته ۹۰۶ هجری است. وی در این دیدگاه از استاد خود حافظ شهاب الدین ابن حجر عسقلانی پیروی کرده است.

آن سان که - ان شاء الله - به زودی به هنگام نقل سخن مناوی خواهیم آورد.

گفتنی است که شرح حال نگاران به شرح حال ابن ابی شریف پرداخته اند. ابن عماد درباره او گوید:

کمال الدین ابوالمعالی محمد بن امیر ناصرالدین محمد بن ابی بکر بن علی بن ابی شریف مقدسی شافعی مری، سبط شهاب الدین عمیری مالکی مشهور به ابن عوجان. او شیخ الامام، شیخ الاسلام و پادشاه دانشمندان بزرگ بود. (۲)

ص: ۵۶

۱- . برای آشنایی با شرح حال او ر. ک: شذرات الذهب: ۸/ ۱۵-۱۷، مفاکله الخلان: ۱/ ۱۷۸، الضوء اللامع: ۸/ ۲-۳۲، البدر الطالع: ۲/ ۱۸۴، النور السافر: ۱۶ و منابع دیگر ...

۲- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الضوء اللامع: ۹/ ۶۴-۶۷، البدر الطالع: ۲/ ۲۴۳ و ۲۴۴، الانس الجلیل: ۲/ ۲۸۸، مفاکله الخلان: ۱/ ۱۲۶، ۱۷۵ و ۲۱۱، شذرات الذهب: ۸/ ۲۹ و منابع دیگر

۲۲. جلال الدین سیوطی و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که به نقد حدیث «أصحابی کالنجوم» پرداخته حافظ جلال الدین سیوطی متوفای ۹۱۱ هجری است. وی در کتاب الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر حرف «ض» را - که نشانه ضعیف بودن است - روی آن حدیث گذاشته است. (۱) اینک نگاهی گذرا به شرح حال او داریم.

ابن عماد در حوادث سال ۹۱۱ هجری می نویسد:

در این سال بود که حافظ جلال الدین سیوطی شافعی محدث بزرگ، پژوهش گر، ژرف نگر، نگارنده کتاب های ارزشمند و سودمند دیده از جهان فرو بست.

شاگرد او داوودی گوید: سیوطی از داناترین دانشمند عصر خویش به علم حدیث و فنون آن بوده است. (۲)

۲۳. علی متقی هندی و نگاهی به شرح حال او ...

دانشمند دیگری که بر حدیث «أصحابی کالنجوم» ایراد گرفته، شیخ علی متقی هندی متوفای ۹۷۵ هجری است. وی در کتاب کنز العمال

ص: ۵۷

۱- الجامع الصغیر: ۲/ ۲۸۲، حرف سین، شماره ۴۶۰۳

۲- برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: حسن المحاضره: ۱/ ۳۳۵ و ۳۴۴، البدر الطالع: ۱/ ۳۲۸، ۳۳۵، شذرات الذهب:

۸/ ۵۱، ۵۵، مفاکله الخلان: ۱/ ۲۹۴ و منابع دیگر

و منتخب آن، نقل کرده که حافظ جلال الدین سیوطی این حدیث را ضعیف دانسته است. (۱) شرح حال نویسان با بزرگداشت و تعظیم فراوانی به شرح حال او پرداخته اند. ابن عماد می نویسد:

علی متقی بن حسام الدین هندی مکی از دانشمندان عامل و بندگان شایسته خدا بود. دارای بعد عظیمی از پارسایی، پرهیزگاری و کوشش در عبادت و کنار گذاشتن کارهای زشت بود. وی کتاب های متعددی نوشته و دارای مقامات فراوانی بود. متقی هندی پس از آن مدت بسیاری در مکه مکرمه مجاورت نمود در آن جا از دنیا رفت. (۲)

۲۴. علی قاری و آشنایی با او ...

شیخ علی قاری مکی نیز به صراحت به نقد حدیث «أصحابی کالنجوم» پرداخته است. وی می گوید: ابن ربیع گوید: بدان سان که جلال الدین سیوطی در کتاب تخریج احادیث الشفاء آورده حدیث

ص: ۵۸

-
- ۱- . كنز العمال: ۱/۱۰۴، كتاب الايمان والاسلام، باب دوم في الاعتقاد بالكتاب والسنة، حديث ۹۱۳، منتخب كنز العمال: ۱/۱۱۷ و ۱۱۸، كتاب الايمان والاسلام، باب دوم، الاعصام بالكتاب والسنة
 - ۲- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ك: النور السافر: ۳۱۵-۱۳۹، سبحة المرجان: ۳۴، شذرات الذهب: ۸/۳۷۹، ابعاد العلوم: ۸۹۵ و منابع دیگر

«أصحابی کالنجوم» را ابن ماجه نقل کرده است. البته من با جست و جویی که در کتاب سنن ابن ماجه کردم، این حدیث را در آن نیافتم.

از طرفی، ابن حجر عسقلانی نیز در کتاب تخریج احادیث رافعی در باب ادب القضاء آورده و به تفصیل درباره آن سخن گفته و یادآور شده که این حدیث، ضعیف و واهی است. فراتر این که از ابن حزم نقل کرده که این حدیث ساختگی و باطل است.

ولی از بیهقی نقل کرده که وی گفته است: حدیثی را مسلم نیشابوری نقل کرده که مفید بخشی از معانی حدیث مذکور است؛ همان بخش از حدیث مسلم که گوید: پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

النجوم أمنة لأهل السماء... وأصحابی أمنة لأمتی...؛ (۱)

ستارگان برای آسمانیان ایمنی بخشند... و اصحاب من برای امت من امان هستند...

ابن حجر گوید: بیهقی درست گفته است. این حدیث گویای صحت تشبیه صحابه به ستارگان است؛ ولی در اقتدا به آن ها، ظهوری ندارد.

آری، ممکن است از معنای هدایت یافتن به وسیله ستارگان، اقتدا نیز به نظر آید.

ص: ۵۹

شیخ علی قاری در ذیل این سخن می گوید: به نظر می رسد که هدایت یافتن، فرع اقتدا کردن است.

آن گاه شیخ علی می افزاید: ظاهر حدیث به فتنه هایی اشاره دارد که پس از انقراض صحابه رخ داد که سنت ها نابود شدند، بدعت ها آشکار گشتند و ستم در گوشه و کنار زمین گسترش یافت.

سپس شیخ علی قاری گوید: ابن سبکی در شرح ابن الحاجب، در بحث عدالت صحابه این حدیث را آورده؛ ولی به ابن ماجه نسبت نداده است.

ابن اثیر در کتاب جامع الاصول به صورت مرفوع از ابن مسیب از عمر بن خطاب نقل کرده که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

سألت ربِّي ...؛

من از پروردگارم درخواست کردم ...

آن گاه پس از نقل آن گفته که این حدیث از احادیثی است که رزین در تجرید الاصول نقل کرده است و او (ابن اثیر) در اصول یاد شده بر آن آگاهی نیافته است.

صاحب المشکات نیز آن را ذکر نموده و گفته است: این حدیث را رزین نقل کرده است. (۱)

ص: ۶۰

۱- . المرقاه فی شرح المشکاه: ۵/ ۵۲۳، گفتنی است که در شرح الشفاء: ۳/ ۴۲۳ و ۴۲۴ نیز به ضعف این حدیث اعتراف کرده است و هم چنین این حدیث را در الموضوعات الکبری: ۳۷۲ نیز آورده است

اینک نگاهی گذرا به شرح حال شیخ علی قاری داریم. محیی درباره او چنین می نویسد:

علی بن محمد بن سلطان هروی معروف به قاری حنفی ساکن شهر مکه یکی از صدرنشینان علم، یگانه عصر خویش، دارای روشی شگفت در پژوهش و تنقیح عبارت هاست که شهرت او در تعریف ویژگی های او بس است. نام او مشهور و آوازه او بلند است. او کتاب های بسیار ارزشمندی به رشته تحریر درآورد که ارزشمندترین و بزرگ ترین آن ها اثر چند جلدی او شرحی است که بر المشکات نگاشته است.

۲۵. عبدالرؤف مناوی و آشنایی با او ...

دانشمند دیگری که حدیث «أصحابی کالنجوم» را نقد کرده، عبدالرؤف مناوی در گذشته سال ۱۰۲۹ هجری است. وی این حدیث را از پیامبر خدا صلی الله علیه وآله نقل می کند که آن حضرت فرمود:

سألت ربی فیما یختلف فیہ أصحابی من بعدی ...؛

از پروردگام درباره مواردی که اصحاب من پس از من اختلاف می کنند پرسیدم ...

وی در شرح این حدیث چنین می گوید:

این حدیث را سجزی در کتاب الابانه عن اصول الدیانه، ابن عساکر دمشقی در تاریخ مدینه دمشق در شرح حال زید حواری؛ هم چنین بیهقی

و ابن عدی از عمر بن خطاب نقل کرده اند.

ابن جوزی در کتاب العلل می گوید: این حدیث، صحیح نیست؛ چرا که یکی از راویان آن نعیم، مورد جرح قرار گرفته است و راوی دیگر آن عبدالرحیم است که ابن معین درباره او گفته: عبدالرحیم دروغ گو است.

در میزان الاعتدال آمده است: این حدیث باطل است.

ابن معین هم چنین ابن حجر در تخریج المختصر گویند: این حدیث، حدیث غریبی است. در این باره از بزّار پرسیدند، گفت: این حدیث از رسول خدا صلی الله علیه و آله از طریق صحیحی نرسیده است.

کمال بن ابی شریف در این باره می گوید: کلام استاد ما - ابن حجر - اقتضا دارد که این حدیث مضطرب است.

آن گاه مَنّاوی می افزاید: به نظر می رسد که طبق نظر نگارنده، ابن عساکر این حدیث را نقل کرده و در اظهار نظر درباره آن، سکوت کرده است؛ در حالی که چنین نیست؛ چرا که ابن عساکر پس از نقل حدیث گوید: ابن سعد گوید: زید عمی ابوحواری در نقل حدیث ضعیف بوده و ابن عدی درباره او گوید: همه افرادی که او از آن ها حدیث، نقل می کند و کسانی که از او، حدیث نقل می کنند از نظر نقل روایت ضعیف هستند. (۱)

ص: ۶۲

اکنون به اجمال به شرح حال مَنّای می پردازیم. برخی از شرح حال نویسان با شگفتی و احترام ویژه به شرح حال او پرداخته اند.

محبّی درباره مَنّای چنین می نگارد:

عبدالرؤوف بن تاج العارفین بن علی بن زین العابدین ملقّب به زین الدین حدادی مَنّای قاهری شافعی پیشوای بزرگ، حجت ثبت اسوه، دارای آثار مشهور بود.

بی تردید دانشمند بزرگ عصر خویش بود. وی پیشوا، فاضل، زاهد، عابد، متواضع و فروتن در برابر خدا و بسیار ارجمند بود. او با اعمال نیک به خدا تقرّب می جست و شکّیا و راست گویی که پیوسته مشغول به اذکار بود؛ به گونه ای که در شبانه روز به یک وعده غذا بسنده می کرد. او در عصر خویش به علوم و معارف متفاوت با تخصص های آن ها دست یافت که از معاصرین او چنین نبودند ... (۱)

۲۶. شهاب خفاجی و نگاهی به شرح حال او ...

شیخ شهاب الدین خفاجی متوفای سال ۱۰۹۶ هجری در شرح شفاء به ضعف حدیث «أصحابی کالنجوم» اذعان کرده است. آن گاه در ردّ

ص: ۶۳

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: خلاصه الاثر: ۲/ ۴۱۲-۴۱۶، البدر الطالع: ۱/ ۳۵۷، الاعلام: ۸/ ۷۵ و ۷۶ و منابع دیگر

ابوذر حلبی - که به آوردن قاضی عیاض حدیث را در شفاء به گونه ای قطعی، اعتراض کرده - به دفاع از قاضی عیاض پرداخته است.

شرح حال خفاجی در کتاب های رجالی آمده است. محبتی درباره او گوید:

شیخ احمد بن محمد بن عمر، قاضی القضاة ملقب به شهاب الدین خفاجی مصری حنفی، دارای آثار مشهور و یکی از افراد دنیا که بر مهارت و برتری او اتفاق نظر شده است. او در عصر خود بدر آسمان دانش و ستاره افق نثر و نظم، سرآمد نویسندگان و رئیس مصنفان بود. پرتو شهرتش، گیتی را در برگرفت و نامش چون ضرب المثل بر سر زبان ها افتاد.

همه کسانی که زمان او را درک کرده اند - که برخی از آن ها را دیده و وصف برخی دیگر را شنیده ایم - به یگانه تازی او در عرصه تقریر، نگارش و زیبایی قلم، اقرار می کنند. هیچ یک از افراد مذکور به گرد پای او نمی رسند و حتی چنین ادعایی را نیز مطرح نمی کنند؛ این در حالی است که برخی مردم، مدعی فضایی هستند که در وجود آن ها به چشم نمی خورد.

وی به نگارش کتاب های فراوان، جذاب و مورد قبولی پرداخت که در اقصی نقاط کشور یافت می شود ... (۱)

ص: ۶۴

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: خلاصه الأثر: ۱ / ۳۳۱ - ۳۳۳، ریحانه الألباء: ۲۷۲ - ۳۰۹، الأعلام: ۱ / ۲۲۷ و ۲۲۸ و منابع دیگر رجالی

۲۷. قاضی بهاری و نگاهی به شرح حال او ...

قاضی محب الله بهاری متوفای ۱۱۱۹ هجری در نفی حجیت اجماع شیخین (ابوبکر و عمر) و خلفای چهارگانه می نویسد:

در روایات آمده است: «به دو خلیفه بعد از من؛ یعنی ابوبکر و عمر، اقتدا کنید» و «بر شما باد به سنت من و سنت خلفای راشدین...».

باید گفت: این احادیث، تنها مقلدین را مورد خطاب قرار می دهند و صلاحیت خلفا را برای تقلید از ایشان گوشزد می کنند؛ چرا که اهل اجتهاد با دیدگاه خلفا به مخالفت برمی خاستند و برخی مقلدان نیز از غیر خلفا تقلید می کردند.

درباره معارضه دو حدیث «اصحاب من هم چون ستارگانند» و حدیث «نصف دینتان را از حمیرا (عایشه) اقتباس کنید» با حدیث اقتدا- که در المختصر آمده است- باید گفت که آن دو حدیث، ضعیف هستند. (۱) شرح حال بهاری در منابع رجالی اهل سنت آمده است. زرکلی می گوید:

محب الله بن عبد الشکور بهاری هندی، به قضاوت اشتغال

ص: ۶۵

داشت و از بزرگان شهر بهار به شمار می رفت. بهار شهر بزرگی است که در شرق «بورب» هند قرار گرفته است.

بهاری در منطقه ای به نام «کزه» به دنیا آمد و بعدها بر مسند قضاوت «لکنهو» و آن گاه شهرستان «حیدرآباد» دکن تکیه زد. بهاری در سال های بعد به صدارت ممالک هند رسید و به دریافت لقب «فاضل خان» مفتخر شد، اما اندکی بعد از دنیا رفت.

از جمله کتاب های او می توان به: مسلم الثبوت فی أصول الفقه، الجوهر الفرد، سلم العلوم فی المنطق و رساله ای اشاره نمود.

[\(۱\)](#)

۲۸. قاضی شوکانی و نگاهی به شرح حال او ...

قاضی شوکانی متوفای سال ۱۲۵۰ هجری در بحث اجماع می نویسد:

حدیث «اصحاب من هم چون ستارگانند به هر کدام که اقتدا کنید هدایت می شوید» بدین معناست که سخن تک تک اصحاب، حجیت دارد.

انتقادات گسترده ای علیه این حدیث، مطرح شده است؛ زیرا در

ص: ۶۶

۱- برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: سبحة المرجان: ۷۶-۷۸، أبجد العلوم: ۹۰۵، كشف الظنون، هدیة العارفین،

إيضاح المكنون و الأعلام: ۱۶۹ / ۶

میان رجال آن، نام «عبدالرحیم عمی از پدرش» وجود دارد که هر دو در نقل روایت بسیار ضعیف هستند تا جایی که ابن معین می گوید:

عبدالرحیم دروغ گوشت و بخاری و ابوحاتم می گویند: وی متروک است.

این حدیث، طریق دیگری نیز دارد و در آن، نام حمزه نصیبی به چشم می خورد که او نیز در نقل حدیث بسیار ضعیف است.

بخاری می گوید: احادیث حمزه نصیبی، ناشناخته است.

ابن معین می گوید: وی پیشیزی نمی ارزد.

ابن عدی می گوید: عموم روایات وی، جعلی و ساختگی است.

این حدیث از طریق جمیل بن زید نیز - که فردی ناشناخته به شمار می رود - روایت شده است. (۱) شرح حال شوکانی در منابع رجالی اهل سنت نقل شده است.

زرکلی درباره او می نویسد:

محمد بن علی بن محمد بن عبدالله شوکانی از علما و فقهای مجتهد یمن بود که در صنعاء زندگی می کرد. وی در «هجره» شوکان (از توابع خولان یمن) به دنیا آمد و در صنعاء پرورش یافت.

شوکانی در سال ۱۲۲۹ هجری به عنوان قاضی صنعاء منصوب

ص: ۶۷

شد و هنگامی از دنیا رفت که حاکم این شهر بود. وی تقلید را حرام می دانست و ۱۱۴ جلد کتاب از خود بر جای نهاد ... (۱)

۲۹. محمد صدیق حسن خان و نگاهی به شرح حال او ...

محمد صدیق حسن خان در گذشته سال ۱۳۰۷ هجری پس از ذکر حدیث «النجوم» به بیان یک جمله در مسأله عدالت صحابه اکتفا می کند و می گوید:

این سخن که «اصحاب من هم چون ستارگانند» مورد انتقادهای گسترده قرار گرفته است. (۲) شرح حال صدیق حسن خان در کتاب های رجالی اهل سنت آمده است. زرکلی می گوید:

ابوطیب محمد صدیق خان حسن بن علی بن لطف الله حسینی بخاری قنوجی، از چهره های نوگرای نهضت اسلامی به شمار می رود.

وی در «قنوج» هند به دنیا آمد، همان جا پرورش یافت و در «دهلی» به فراگیری علم پرداخت. صدیق حسن برای گذران زندگی به «بهوپال»

ص: ۶۸

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال شوکانی ر. ک: البدر الطالع: ۲/ ۲۱۴ و ۲۲۵، أبجد العلوم: ۸۷۷، الأعلام: ۷/ ۱۹۰ و ۱۹۱ و دیگر کتاب ها

۲- . حصول المأمول من علم الأصول: ۵۶

رفت و ثروتی عظیم به دست آورد.

وی در شرح حال خود می نویسد: در بهوپال، رحل اقامت افکند و همان جا مسکن گزید. و در همان جا به کسب مال مشغول شد، به مقام وزارت نایل آمد، نماینده پارلمان شد و به تألیف و نگارش کتاب پرداخت.

وی با ملکه بهوپال ازدواج نمود و به دریافت لقب «نواب» جناب بهادرشاه، مفتخر شد.

تألیفات وی بالغ بر شصت و چند کتاب است که به زبان های عربی، فارسی و هندی نگاشته شده است. (۱)

حدیث «النجوم» و دیدگاه عالمان دیگر ...

خاطر نشان می شود که انتقاد از حدیث «النجوم» به علمای مذکور منحصر نمی شود؛ بلکه بسیاری از علمای دیگر نیز بر ضعف این حدیث، صحّه گذاشته اند، از جمله:

ابن ملقن،

ابن تیمیه،

ص: ۶۹

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال او ر. ک: الأعلام: ۷/ ۳۶ و ۳۷، أبجد العلوم: ۹۳۹، إيضاح المكنون: ۱/ ۱۰ و دیگر کتاب

جلال محلی،

ابونصر سجزی،

ابوذر حلبی،

احمد بن قاسم عبادی،

سبکی،

ابن امام کاملیه، نویسنده منهاج الأصول.

مولوی نظام الدین، نویسنده صبح صادق فی شرح المنار.

فرزندش مولوی عبدالعلی بحر العلوم نویسنده شرح مسلم الثبوت.

و از علمای متأخر:

محمّد ناصر الدین البانی. (۱) و سید محمّد بن عقیل علوی. (۲) بلکه می توان گفت که همه علمای گذشته و حال - که ارتکاب اشتباه از سوی اصحاب را جایز می دانند و عدالت و عصمت همه آنان را نمی پذیرند - حدیث «النجوم» را ضعیف می دانند. شایان ذکر است که نام برخی از این علما را در مقدمه این کتاب، ذکر کردیم.

ص: ۷۰

۱- . سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه: ۷۸ / ۱

۲- . النصائح الکافیة: ۱۸۱ - ۱۸۲

تکمیل بحث ...

در لا به لای این کتاب، روشن شد که برخی طریق های حدیث «النجوم»، حدیث دیگری را نیز دربردارد. در این حدیث آمده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اختلاف امتی رحمه؛

اختلاف امت من، رحمت است.

برخی محدثان اهل سنت سندهای هر دو حدیث را ضعیف دانسته اند. بنابراین، جا دارد که در این جا بخشی از سخنان محدثان را پیرامون این حدیث نیز نقل کنیم.

حافظ عراقی می گوید:

بیهقی در رساله الأشعریه خود به صورت تعلیق، این حدیث را ذکر کرده و آن را در المدخل به صورت مسند از حدیث ابن عباس، چنین آورده است که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود:

اختلاف أصحابی لکم رحمه؛

اختلاف اصحاب من، برای شما رحمت است.

آن گاه حافظ عراقی می گوید: اسناد این حدیث، ضعیف است. (۱)

ص: ۷۱

۱- . المغنی عن حمل الأسفار (چاپ شده در حاشیه إحياء علوم الدین): ۲۷/۱

حافظ محمد طاهر هندی در گذشته سال ۹۸۶ هجری (۱) در المقاصد می نویسد:

حدیث «اختلاف امت من رحمت است» را بیهقی در ضمن حدیثی طولانی به صورت مرفوع از ضحاک از ابن عباس نقل می کند و در بخشی از آن آمده است که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «اختلاف اصحاب من، برای شما رحمت است».

طبرانی و دیلمی نیز این حدیث را به شیوه بیهقی نقل کرده اند.

گفتنی است که نقل ضحاک از ابن عباس، به صورت منقطع است.

عراقی می گوید: این حدیث، مرسل و ضعیف است. (۲) دانشمند معاصر محمد ناصرالدین البانی نیز ضمن ذکر سخنان تعدادی از علما درباره این حدیث، آن را بی پایه و اساس می داند. (۳) اکنون که سخنان بزرگان اهل سنت در رد، تضعیف و جعلی دانستن حدیث «اصحاب من هم چون ستارگانند» را مورد اشاره قرار دادیم، به بررسی سندها و راویان این حدیث نیز می پردازیم تا به تفصیل از سخنان پیشوایان اهل سنت درباره آن آگاه شویم.

ص: ۷۲

۱- . برای آگاهی از شرح حال او ر. ک: شذرات الذهب: ۸ / ۴۱۰، النور السافر: ۲۶۱ و أبجد العلوم: ۳ / ۲۲۴

۲- . تذکره الموضوعات: ۹۰ و ۹۱

۳- . سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱ / ۷۶-۷۸

بخش دوم نگاهی به سندها و راویان النجوم و دیدگاههای پیشوایان جرح و تعدیل درباره آن ها ...

راویان حدیث «النجوم» ...

حدیث «النجوم»، از سندهای متعدد بهره می برد؛ به گونه ای که به حدّ شهرت رسیده است. امّا با پی گیری این سندها مشخص می شود که هیچ کدام از آن ها از انتقاد رجال شناسان و پیشوایان جرح و تعدیل اهل سنت، در امان نمانده است.

روایت عبدالله بن عمر و راویان آن ...

اشاره

این حدیث را از عبدالله بن عمر روایت کرده اند، امّا در سند این حدیث، افراد ذیل یافت می شوند:

عبدالرحیم بن زید ...

با مراجعه به کتاب های الضعفاء بخاری، الضعفاء نسائی، العلل ابن ابی حاتم، الموضوعات و العلل المتناهیة ابن جوزی، میزان الإعتدال، الکاشف و المغنی فی الضعفاء ذهبی، خلاصه تذهیب تذهیب الکمال خزرجی و دیگر کتاب ها ملاحظه می شود که عبدالرحیم بن زید مورد سرزنش و انتقاد

قرار گرفته است؛ برای مثال در کتاب های مذکور درباره او چنین آمده است: «عبدالرحیم بن زید راوی ارجمندی نیست»، «او دروغ گوست»، «او از نظر نقل حدیث، ضعیف است» و «او دروغ گو و پلید است».

گفتنی است که در همین کتاب، به برخی از این سخنان، در موارد متعددی اشاره کردیم.

زید عمّی ...

راوی دیگر این روایت، زید عمّی است، ضعف او نیز از نظر نقل حدیث مورد تأکید علما قرار گرفته است و همان گونه که گذشت، مّتاوی به نقل از حافظ ابن عدی می گوید: عموم روایات زید عمّی و نیز کسانی که از قول او روایت کرده اند، ضعیف هستند.

حمزه جزری ...

این حدیث را با سند دیگری از عبدالله بن عمر نقل کرده اند که در میان راویان آن، نام حمزه جزری به چشم می خورد.

در کتاب الضعفاء بخاری درباره او چنین آمده است: حمزه بن ابوحزمه نصیبی، احادیث ناشناخته را روایت کرده است.

در کتاب الضعفاء نسائی آمده است: احادیث حمزه جزری، متروک است.

در الموضوعات می خوانیم: یحیی می گوید: حمزه جزری به

حساب نمی آید، ابن عدی می گوید: وی جعل حدیث می کند.

در همین کتاب به ترتیب از قول احمد و یحیی آمده است:

«احادیث حمزه جزری، متروک است» و «حمزه جزری پیشیزی نمی ارزد».

امثال این سخنان را می توان در البحر المحیط ابوحنیفان، میزان الاعتدال و الکاشف ذهبی و دیگر کتاب هایی که گفتیم، مشاهده کرد.

روایت عمر بن خطاب و راویان آن ...

اشاره

این حدیث را از قول عمر بن خطاب نیز روایت کرده اند، اما در سند این حدیث، نام افراد ذیل یافت می شود:

نعیم بن حَمَاد ...

همان گونه که در سخن ابن جوزی ملاحظه شد، اعتبار نعیم بن حَمَاد مخدوش است.

عبدالرحیم بن زید و زید عمی ...

درباره این دو راوی پیش تر، سخن گفتیم.

روایت جابر بن عبدالله انصاری و راویان آن ...

اشاره

این حدیث از زبان جابر بن عبدالله انصاری نیز نقل شده است، اما راویان آن، ناشناخته هستند. پیش از این اشاره شد که ابن

حجر

عسقلانی در تخریج أحادیث الکشاف می نویسد:

دارقطنی این حدیث را از قول حمید بن زید، از مالک، از جعفر بن محمد، از پدرش، از جابر - در خلال حدیثی دیگر - نقل کرده و آن را در غرائب مالک جای داده است؛ در این حدیث آمده است که پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود:

فبأی قول أصحابی أخذتم اهتدیتم. إنما مثل أصحابی مثل النجوم، من أخذ بنجم منها اهتدی؛

به سخن هریک از اصحاب من اقتدا کنید، هدایت می شوید، اصحاب من هم چون ستارگانند و هر کس به هر کدام از این ستارگان اقتدا کند، هدایت می شود.

دارقطنی می گوید: صدور این حدیث از مالک، به اثبات نرسیده و همه راویان آن - جز مالک - ناشناخته هستند.

این حدیث با سند دیگری نیز از جابر نقل شده است. اما افراد ذیل در میان راویان آن به چشم می خورند:

ابوسفیان ...

ابن حزم می گوید: ابوسفیان از نظر نقل حدیث ضعیف است. (۱)

ص: ۷۶

سلام بن سلیم ...

ابن حجر می گوید: سلام، از نظر نقل حدیث ضعیف است.

ابن حزم می گوید: سلام، احادیث جعلی را نقل می کند و بی تردید این حدیث هم از جمله احادیث جعلی اوست.

ابن خراش می گوید: سلام، دروغ گوست.

ابن حبان می گوید: سلام، برخی احادیث جعلی را نقل کرده است.

ابن حبان با ذکر سخنان فوق در سلسله الأحادیث الموضوعه والضعیفه اضافه می کند: علما به ضعف سلام از نظر نقل حدیث، اتفاق نظر دارند.

حارث بن غصین ...

ابن عبدالبرّ پس از نقل این حدیث - با اسناد به جابر - می نویسد:

این اسناد، قابل اتکا نیست؛ چرا که حارث بن غصین، ناشناخته است.

همان گونه که پیش تر اشاره کردیم زین عراقی، این سخن ابن عبدالبرّ را نقل کرده و آن را پسندیده است.

روایت عبدالله بن عباس و راویان آن ...

اشاره

این حدیث از قول عبدالله بن عباس نیز نقل شده است، اما در سند آن نام راویان ذیل یافت می شود:

سلیمان بن ابوکریمه ...

ابوحاتم رازی، جلال الدین سیوطی و محمد طاهر، سلیمان را از نظر نقل حدیث ضعیف دانسته اند.

ابن عدی می گوید: عموم روایات او، ناشناخته است.

ذهبی می گوید: سلیمان، از نظر نقل حدیث ضعیف و ناقل روایات ناشناخته است. (۱)

جویر بن سعید ...

نسائی در کتاب الضعفاء درباره او می گوید: احادیث جویر، متروک است.

بخاری در الضعفاء می نویسد: جویر بن سعید بلخی از ضحاک، روایت نقل کرده است؛ علی بن یحیی می گوید: من جویر را با دو حدیث می شناختم، اما پس از آن که این احادیث را روایت کرد در نقل حدیث، ضعیف دانسته شد.

ابن جوزی در الموضوعات می نویسد: علما در مورد ترک روایات جویر، اتفاق نظر دارند. احمد می گوید: احادیث او مورد اعتنا

ص: ۷۸

۱- . برای آگاهی بیشتر از شرح حال سلیمان بن ابوکریمه ر. ک: الموضوعات ابن جوزی، میزان الاعتدال و المغنی فی الضعفاء ذهبی، لسان المیزان ابن حجر، قانون الموضوعات محمد طاهر و کتاب های دیگر

قرار نمی گیرد.

ذهبی نیز در میزان الاعتدال درباره جویبر این گونه اظهار نظر کرده است:

ابن معین می گوید: جویبر، به حساب نمی آید. جوزجانی می گوید: به او اعتنا نمی شود. نسائی، دارقطنی و دیگران گفته اند:

احادیث او، متروک است.

در الکاشف نیز درباره او این گونه اظهار نظر شده است: علما او را ترک کرده اند.

ضحاک بن مزاحم ...

ذهبی در میزان الاعتدال و المغنی فی الضعفاء، ابن حجر عسقلانی در تهذیب التهذیب و دیگر علما، پیرامون شرح حال ضحاک بن مزاحم نوشته اند: کسی روایات او را نقل نمی کرد. او در زمینه نقل حدیث، ضعیف بوده و اعتبار او مخدوش است.

شعبه و جماعتی از علمای بزرگ، تأیید نموده اند که ضحاک، ابن عباس را ملاقات نکرده است.

روایت ابوهریره و راویان آن ...

این حدیث، از ابوهریره نیز نقل شده است. اما در میان راویان آنان، نام جعفر بن عبدالواحد قاضی هاشمی دیده می شود.

با مراجعه به کتاب های تخریج أحادیث الکشاف و لسان المیزان ابن حجر عسقلانی، المغنی فی الضعفاء و میزان الاعتدال ذهبی، اللآلی المصنوعه فی الأحادیث الموضوعه جلال الدین سیوطی و کتاب های دیگر روشن می شود که جعفر بن عبدالواحد، دروغ گو و به جعل و سرقت حدیث متهم بوده و محدثان، روایات او را ترک گفته اند.

تمام این مطالب بعد از چشم پوشی از شخصیت ابهریره است، که حرف و حدیث های نام آشنا و مشهوری درباره او مطرح شده است.

روایت انس بن مالک و راویان آن ...

این حدیث از قول انس بن مالک نیز روایت شده است، اما در سند آن نام بشر بن حسین یافت می شود.

بشر بن حسین، این حدیث را از زبیر بن عدی از انس، نقل کرده است؛ ذهبی در المغنی فی الضعفاء می نویسد:

دارقطنی می گوید: بشر بن حسین، متروک است. ابوحاتم می گوید: وی به زبیر دروغ بسته است. (۱) برای آگاهی از دیگر سرزنش های مطرح شده درباره او می توانید به کتاب لسان المیزان تألیف ابن حجر عسقلانی مراجعه کنید. (۲)

ص: ۸۰

۱- . المغنی فی الضعفاء: ۱ / ۱۶۱

۲- . لسان المیزان: ۲ / ۲۸ - ۳۰

بخش سوم تأملاتی در مفهوم حدیث النجوم ...

پرسش‌هایی درباره مفهوم حدیث ...

با توجه به آن چه گذشت اکنون این پرسش‌ها مطرح است:

آیا صدور چنین سخنی از سوی رسول خدا صلی الله علیه وآله امکان پذیر است؟

آیا پس از رحلت آن حضرت، همه اصحاب در راه خیر و صلاح گام برمی داشتند؟

آیا همه آنان شایستگی این را داشتند که به آنان اقتدا شود؟

و آیا همه آن‌ها به راستی، هدایت‌گر بودند؟

اگر چنین بود؛ پس چرا خداوند فرمود:

«أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟» (۱)

آیا اگر او (حضرت محمد) بمیرد یا کشته شود، شما به آیین جاهلی خود باز خواهید گشت؟

ص: ۸۱

در آیه دیگر فرمود:

«وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنَافِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ سَيُعَذِّبُهُم مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ»؛ (۱)

و از میان اعراب اطراف (مدینه) جمعی منافقند و برخی از اهل شهر مدینه نیز بر نفاق، پای ببندند که شما از نفاق آن ها آگاه نیستید؛ ولی ما از آن ها آگاهی داریم، ما به زودی آنان را دو بار عذاب می کنیم، آن گاه به عذابی سخت، باز گردانده می شوند.

و آیات دیگری نیز در قرآن کریم وجود دارد که به وجود منافقان در میان اصحاب پیامبر صلی الله علیه و آله تصریح می کند. از این گذشته، آیا می توان پذیرفت که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آینده امت اسلامی و حوادث بعد از خود، آگاهی نداشته است؟

هرگز و هرگز؛ چرا که پیامبر صلی الله علیه و آله از همه اتفاقات آینده در میان اصحاب و امت خود تا روز رستاخیز، آگاهی داشت و به همین جهت، احادیث بی شماری در اختیار داریم که رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن ها، از مسائل آینده مسلمانان، پرده برمی دارد.

ص: ۸۲

آن حضرت در حدیثی می فرمایند:

ستفترق امتی علی ثلاث وسبعین فرقه ...؛ (۱)

امت من به هفتاد و سه فرقه تقسیم می شوند ...

پیامبر خدا و سرزنش برخی اصحاب ...

البته احادیث فراوان دیگری نیز در خصوص اصحاب پیامبر در دست است که نشان می دهد تعداد زیادی از اصحاب به پریشان حالی مبتلا می شوند و پس از پیامبر به افکار دوران جاهلی باز می گردند و با ارتداد از دین، در زمره کفورزان و زیان کاران قرار می گیرند.

برای مثال می توان به این حدیث که در صحیح بخاری آمده اشاره کرد.

پیامبر خدا صلی الله علیه وآله فرمود:

أنا فرطكم على الحوض وليرفعن رجال منكم، ثم ليختلجنّ دوني، فأقول: يا رب! أصحابي.

فيقال: إنك لا تدري ما أحدثوا بعدك؛

ص: ۸۳

۱- این حدیث را گروهی از محدثان، نقل کرده اند، مقبلی در العلم الشامخ می نویسد: حدیث «تقسیم امت به هفتاد و سه فرقه ...» با روایات متعدد نقل شده است و این روایات، یک دیگر را تأیید و تقویت می کنند؛ به گونه ای که در نتیجه مفهومی آن تردیدی باقی نمی ماند. تاریخ المذاهب الإسلامیه: اثر محمد ابوزهره: ۱۱

من پیشاپیش شما وارد حوض می شوم، اما برخی از شما کنار زده می شوید و از من دور می گردید. من در این هنگام می گویم:

پروردگارا! اینان اصحاب من بودند.

در پاسخ می گویند: تو نمی دانی که اینان پس از تو چه بدعتی نهادند.

در حدیث دیگری آمده است:

فأقول: سحقا سحقا لمن غیر بعدی؛

من در این هنگام می گویم: از رحمت خدا دور باد، از رحمت خدا دور باد کسی که بعد از من، (دین) را تغییر داد.

در برخی احادیث می خوانیم:

إنهم ارتدوا علی أديارهم القهقري؛ (۱)

آنان کاملاً به آیین گذشته خود بازگشتند.

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه وآله به اصحاب خود فرمود:

لا ترجعوا بعدی کفاراً؛ (۲)

پس از من به کفر باز نگردید.

در حدیث دیگری فرمود:

ص: ۸۴

۱- صحیح بخاری، باب فی الحوض: ۸۷/۴ و ۸۸ و دیگر صحاح و کتاب های حدیثی

۲- إرشاد الفحول: ۷۶

الشرك فيكم أخفى من دبيب النمل؛ (۱)

شرك در میان شما، از حرکت مورچگان پنهان تر است.

علاوه بر این، رسول خدا صلی الله علیه و آله در موارد بسیار، مناسبت های گوناگون و اماکن متعدد، سخنان سرزنش آمیزی را علیه اصحاب - چه به صورت فردی و چه به صورت گروهی - مطرح نموده است و می توان این احادیث را در کتاب های اهل سنت مشاهده کرد.

با این وصف، آیا معزفی تک تک اصحاب به عنوان ستارگان هدایت گر، سزاوار رسول خدا صلی الله علیه و آله هست؟

نگاهی به اعمال زشت برخی اصحاب ...

اشاره

از این گذشته، بسیاری از اصحاب در مناسبت های گوناگون، به جهل، عدم درایت و خطای فتوای خود اذعان کرده اند تا جایی که بزرگان اصحاب نیز از این امر مستثنا نیستند ... به همین خاطر، تخطئه و عدم پذیرش دیدگاه های یک دیگر، در میان اصحاب رسول خدا صلی الله علیه و آله

ص: ۸۵

۱- . الجامع الصغير: ۳۰۳/۲، حرف شین، شماره ۴۹۳۴. مئاوی می گوید: امام احمد بن حنبل در مسند و هم چنین ابویعلی این حدیث را از قول ابونفیس نقل کرده اند. هم چنین احمد بن حنبل و طبرانی آن را از ابوموسی روایت کرده و ابونعیم اصفهانی آن را در حلیه الأولیاء از قول ابوبکر نقل کرده است. فیض القدير: ۲۲۹/۴

رایج بوده است تا جایی که بر اساس کتاب های تاریخی در بسیاری از موارد، تخطئه از حدّ اعتدال فراتر می رفت و کار به تکذیب، نادان انگاری و کافر پنداری طرف مقابل، می انجامید.

با مراجعه به تاریخ اصحاب مشخص می شود که آن ها خود را ستارگان هدایت گر نمی پنداشتند؛ بنابراین چگونه می توان منزلتی را برای آن ها قائل شد که خود، آن را قبول نداشتند؟

ناسزاگویی، کتک زدن و تبعید برخی اصحاب توسط دیگر اصحاب، امری رایج بوده است تا جایی که در برخی موارد، حتی خون یک دیگر را هم مباح می دانستند.

با دقت در تاریخ و کردار تک تک اصحاب متوجه می شویم که بسیاری از آنان، در ارتکاب اعمال ضدّ اسلامی، ید طولایی داشته اند تا جایی که شراب خواری، شهادت و سوگند دروغ، انجام زنا، فروش شراب و بت، صدور فتوای ناآگاهانه و دیگر گناهان کبیره که به اصل شریعت و اجماع مسلمانان ثابت شده، در میان آنان رواج داشته است.

اکنون به اختصار، به برخی از گناهان مذکور اشاره می نمایم:

دروغ گویی برخی اصحاب ...

برخی اصحاب بزرگ و مشهور، در جریان فتنه جمل به دروغ گویی در مورد مسأله «حوأب» پرداختند و دیگران را نیز چون

خود، به شهادت دروغ تحریک نمودند. (۱)

جنایت خالد بن ولید ...

خالد بن ولید در زمان ابوبکر به قوم مالک حمله کرد و به قتل، غارت و اسیر کردن آنان پرداخت. خالد بن ولید در این حمله، رئیس قبیله یعنی مالک بن نویره را به قتل رساند و همان شب - بدون توجه به زمان عدّه - با همسر مالک ازدواج کرد تا جایی که عمر بن خطاب عمل او را تقبیح کرد. (۲)

مغیره و ارتکاب زنا ...

مغیره بن شعبه مرتکب زنا شد و داستان آن به اختصار چنین است:

مغیره بن شعبه با زنی از قبیله قیس به نام امّ جمیل دختر عمرو، زنا کرد و ابوبکره، نافع بن حارث و شیل بن معبد در تأیید ارتکاب این زنا علیه مغیره شهادت دادند.

هنگامی که شاهد چهارم یعنی زیاد بن سمیه - یا زیاد بن أبیه -

ص: ۸۷

۱- این داستان، مشهور است و همه تاریخ نویسان از جمله طبری، ابن اثیر، ابن خلدون، مسعودی، ابوالفداء و دیگران آن را نقل کرده اند

۲- این داستان نیز مشهور و در همه تواریخ، سیره ها و کتاب های کلام، موجود است و از جمله موارد انتقاد از ابوبکر بن ابی قحافه به شمار می رود

برای ادای شهادت، حاضر شد، عمر بن خطاب به او فهماند که به گونه ای غیر صریح و در لفافه، شهادت دهد تا مبادا مغیره در اثر مجازات، خوار گردد.

آن گاه عمر درباره مشاهدات زیاد از وی پرسید: آیا دیدی که مغیره داخل و خارج می کرد همان گونه که میل را در سرمه دان، داخل و خارج می کنند؟

زیاد گفت: نه.

عمر گفت: الله اکبر، ای مغیره! برخیز و شهود را حد بزن.

در این هنگام، مغیره برخاست و هر سه شاهد را حد زد. (۱)

شراب فروشی سمره بن جندب ...

سمره بن جندب در زمان عمر بن خطاب به شراب فروشی پرداخت و عمر پس از شنیدن این خبر گفت: خداوند فلانی را هلاک کند ... (۲)

ص: ۸۸

۱- .وفیات الأعیان: ۶/ ۳۶۴، تاریخ الطبری: ۳/ ۱۶۸ - ۱۷۰، البدایه والنهایه: ۷/ ۹۳ و ۹۴. همان گونه که پیداست این داستان از دو جهت با متون شرعی و احکام ضروری اسلام، تعارض دارد

۲- . صحیح بخاری: ۲/ ۷۷۴ و ۷۷۵ کتاب البیوع، باب لایذاب شحم المیتة، حدیث ۲۱۱۰ و دیگر کتاب ها

بت فروشی معاویه ...

بت فروشی معاویه بن ابوسفیان، در المبسوط این گونه آمده است:

از مسروق چنین نقل شده: معاویه چند مجسمه مسی را برای فروش به هندوستان فرستاد.

مسروق با دیدن این محموله گفت: به خدا سوگند، اگر مطمئن بودم که معاویه مرا نمی کشد، این محموله را غرق می کردم، اما از این می ترسم که مرا شکنجه دهد و گمراهم نماید. به خدا سوگند، نمی دانم معاویه چگونه انسانی است؟! انسانی که شیطان، کارهای زشتش را برای او زیبا جلوه داده، یا انسانی که از آخرت ناامید گشته و به کامجویی در دنیا می پردازد؟! (۱)

شراب خواری عبدالرحمان بن عمر ...

ابوشحمه عبدالرحمان بن عمر بن خطاب در زمان خلافت پدرش و به هنگام حکومت عمروعاص بر مصر، در این سرزمین، باده نوشید.

عمر، فرزند خود را از مصر فراخواند و در مدینه، بر او حد جاری کرد. عمرو عاص نیز در مصر، این فرزند عمر را - که بیمار شده بود -

ص: ۸۹

حد زد و آن گاه او را به زندان افکند تا آن که در اثر اجرای حد در حال بیماری، جان سپرد. (۱)

نادانی برخی از بزرگان اصحاب ...

برخی از بزرگان اصحاب، احکام شرعی و حتی معانی واژگان عربی را نمی دانستند و ناآگاهانه درباره این احکام و واژگان، سخن می گفتند.

با آن که واژه «کلاله» در قرآن آمده و پیامبر صلی الله علیه وآله نیز معنای آن را برای مردم، تبیین کرده بود، امّا چنان که مشهور است ابوبکر معنای این واژه را نمی دانست؛ وی در پاسخ به سؤالی پیرامون معنای این واژه گفت:

من درباره «کلاله» دیدگاهی دارم که اگر درست باشد به فضل خدای یکتا و بی همتاست و اگر نادرست باشد برآمده از من و شیطان است و خداوند از او بیزار است ... (۲)

خیانت معاویه در فروش کالا ...

معاویه بن ابوسفیان، کالاها را فزون تر از وزن آن می فروخت؛

ص: ۹۰

۱- شرح نهج البلاغه: ۱۲/۱۰۴-۱۰۶، همان گونه که پیداست این داستان از چند جهت با متون شرعی، تعارض دارد

۲- همه مفسران و علمای کلام این سخن را نقل کرده اند

برای مثال در کتاب الموطأ آمده است:

مالك، از زید بن اسلم، از عطاء بن یسار این گونه نقل می کند:

معاویه یک ظرف آبخوری طلا و یا دیناری را به بیشتر از وزن آن فروخت.

در این هنگام ابودرداء گفت: از رسول خدا صلی الله علیه وآله شنیدم که چنین چیزی را نهی می کرد مگر آن که هر کالایی به اندازه وزن خود فروخته شود.

معاویه به او گفت: من در این کار، اشکالی نمی بینم.

ابودرداء گفت: اگر انصاف داشته باشید می بینید که من معاویه را از کلام رسول خدا صلی الله علیه وآله مطلع می کنم، اما او دیدگاه خودش را به من عرضه می دارد. ای معاویه! من در سرزمینی که تو حضور داری سکنی نخواهم گزید. (۱)

اقدام زید بن ارقم ...

زید بن ارقم دست به کاری زد که به قول عایشه اگر توبه نمی کرد، این کار، جهاد او در رکاب رسول خدا صلی الله علیه وآله را تباه می ساخت.

برخی محدثان، فقها و مفسران از امّ یونس نقل کرده اند که امّ بحنه

ص: ۹۱

۱- . الموطأ: ۲/ ۶۳۴، کتاب البیوع، باب بیع الذهب بالفضه تبرأً وعیناً، حدیث ۳۳، ر. ک: شرح الموطأ، سیوطی: ۲/ ۱۳۵ و ۱۳۶

کنیز امّ ولد زید بن ارقم، به عایشه همسر پیامبر صلی الله علیه وآله گفت: ای امّ المؤمنین! آیا زید بن ارقم را می شناسی؟
عایشه گفت: آری.

امّ بحنه گفت: من غلامی را به هشتصد (درهم یا دینار یا ...) به صورت نسیه به زید بن ارقم فروختم، اما وی به پولش نیاز داشت، بنابراین قبل از سررسید، آن غلام را به ششصد (درهم یا دینار یا ...) از او خریداری کردم.

عایشه گفت: چه بد خرید و فروشی انجام داده ای! به زید بگو که اگر توبه نکند، جهاد خود با رسول خدا صلی الله علیه وآله را تباه ساخته است.

امّ بحنه گفت: می توانم آن دویست (درهم یا دینار یا ...) را رها کنم و ششصد (درهم یا دینار یا ...) را بگیرم؟

عایشه گفت: آری، زیرا قرآن می فرماید:

«فَمَنْ جَاءَهُ مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَاتَّبَعَهَا فَلَهُ مَا سَلَفَ»؛ (۱)

و اگر به کسی پند و اندرز از جانب پروردگارش رسد و (از ربا خوردن) خودداری کند، آن چه گذشته، از آن اوست.

ص: ۹۲

۱- . تفسیر ابن کثیر: ۱/ ۳۳۵، الدرّ المنثور: ۱/ ۶۴۵، این ماجرا در هر دو کتاب مذکور، در تفسیر آیه ۲۷۵ سوره بقره که به تحریم ربا می پردازد، نقل شده است، ابن کثیر اضافه می کند: «این داستان، مشهور است». ابن اثیر در جامع الاصول، المرغینانی در کتاب هدایه و کاشانی در بدائع این ماجرا را نقل کرده اند

توطئه عایشه و حفصه ...

عایشه و حفصه علیه زینب بنت جحش دست به توطئه زدند. در روایتی آمده است:

عایشه گفت: رسول خدا صلی الله علیه وآله در نزد زینب بنت جحش غسل می خورد و مدتی نزد او می ماند؛ من و حفصه توافق کردیم که با دیدن رسول خدا صلی الله علیه وآله به او بگوییم: مغفیر (۱) خورده ای؟

رسول خدا صلی الله علیه وآله پس از شنیدن سخنان هر یک از ما فرمود: نه، بلکه نزد زینب بنت جحش، مقداری غسل خورده ام، اما دیگر از آن غسل نخواهم خورد و تو نیز کسی را از این ماجرا باخبر نکن. (۲)

حدیث «النجوم» و سخن پایانی ...

کوتاه سخن این که آیات کریمه قرآن، احادیث نبوی و کتاب های تاریخ و فقه، بر بطلان حدیث «النجوم» صححه می گذارند و نشان می دهند که رسول خدا صلی الله علیه وآله اقتدا به تک تک اصحاب را فقط به خاطر هم نشینی و همراهی با آن حضرت، جایز نمی داند؛ چرا که در

ص: ۹۳

۱- . مغفیر و مغافر، جمع مغفور است و به معنای نوعی صمغ بدبوست که از برخی درختان فرو می ریزد

۲- . این حدیث را می توان در صحاح و دیگر کتاب های روایی مشاهده نمود

میان اصحاب آن بزرگوار، افراد فاسق، منافق و مجرم هم حضور داشته اند.

بنابراین، علاوه بر ضعف همه راویان و طُرُق حدیث «النجوم»، معنا و مفهوم این حدیث هم بر جعلی بودن آن صحّح می گذارد.

گروهی از علمای حدیث همانند بزّار- که در صفحات پیشین، سخن او را نقل کردیم- ابن قیم (۱) و ابن حزم، (۲) بطلان مفهومی حدیث «النجوم» را به صراحت بیان کرده اند.

اهل بیت و ستارگان هدایت ...

البته در کتاب های اهل سنت و منابع معتبر روایی آنان، احادیثی از قول پیامبر صلی الله علیه وآله نقل شده است که ما به مضمون آن ایمان داریم، به مفهوم آن، عمل می کنیم و هیچ ایرادی را بر این دسته از احادیث، وارد نمی دانیم؛ از جمله احادیث مذکور می توان به احادیث ذیل اشاره نمود:

رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

ص: ۹۴

۱- . إعلام الموقعین: ۲ / ۲۳۱ و ۲۳۲

۲- . ر. ك: سلسله الأحادیث الضعیفه والموضوعه: ۱ / ۸۳. ابن حزم می گوید: محال است که رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمان اطاعت از همه اصحاب را صادر کرده باشد ...

النجوم أمان لأهل السماء وأهل بيتي أمان لأمتي؛ (۱)

ستارگان، امنیت را برای اهل آسمان به ارمغان می آورند و امنیت امت من نیز بر عهده اهل بیت من است.

در حدیث دیگری رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

النجوم أمان لأهل السماء، فإذا ذهب النجوم ذهب أهل السماء، وأهل بيتي أمان لأهل الأرض، فإذا ذهب أهل بيتي ذهب أهل الأرض؛ (۲)

ستارگان، امنیت را برای اهل آسمان به ارمغان می آورند و با نابودی ستارگان، اهل آسمان نیز نابود می شوند؛ اهل بیت من نیز امنیت اهل زمین را تأمین می کنند و در صورت فقدان اهل بیت من، اهل زمین نیز از بین می روند.

در سخن زیبای دیگری رسول خدا صلی الله علیه وآله می فرماید:

النجوم أمان لأهل الأرض من الغرق وأهل بيتي أمان لأمتي من الاختلاف، فإذا خالفتم قبيله اختلفوا فصاروا

ص: ۹۵

۱- . ذخائر العقبی: ۴۹ تحت عنوان «ذكر أنهم أمان لأمة محمد صلی الله علیه وسلّم» إحياء الميت: ۶۸ به نقل از برخی پیشوایان حدیث

۲- . ذخائر العقبی: ۴۹، إسعاف الراغبین (چاپ شده در حاشیه نور الأبصار): ۱۳۰ که در هر دو منبع از قول احمد بن حنبل، روایت شده است

حزب إبلیس؛ (۱)

ستارگان مانع از غرق شدن اهل زمین می شوند و اهل بیت من نیز از اختلاف امتم جلوگیری می کنند. بنابراین، اگر قبیله ای با آنان مخالفت کنند، دچار اختلاف خواهند شد و در زمره حزب شیطان قرار خواهند گرفت.

شیعیان از آن رو چنین اعتقاداتی را می پذیرند که این اعتقادات، به آیات قرآن کریم و احادیث متواتر رسول خدا صلی الله علیه و آله تکیه دارد، عصمت ائمه اهل بیت (یعنی حضرت علی و یازده فرزند ایشان علیهم السلام) از طریق کتاب و سنت به اثبات رسیده است. اهل بیت در هیچ یک از احکام، با هم اختلافی نداشته اند، منتهای تلاش خود را برای اجرای شریعت مقدس اسلام به کار گرفته اند و ...

در پایان باز همان پرسش را تکرار می کنیم و می گوئیم:

آیا صدور چنین حدیثی از سوی پیامبر خدا صلی الله علیه و آله امکان پذیر است؟

در پاسخ باید گفت: هرگز ... چرا که تأمل در سخنان و دیدگاه های

ص: ۹۶

۱- . إحياء الميت: ۸۵ به نقل از حاکم نیشابوری، إسناع الراغبین: ۱۳۰. در این منبع متن حدیث تا کلمه «الإختلاف» آمده است و گوید: «حاکم نیشابوری این روایت را به شرط رعایت شروط مورد نظر بخاری و مسلم، صحیح دانسته است»

پیشوایان اهل سنت پیرامون این حدیث و دقت نظر در سندها و متن آن، به وضوح بیان گر این حقیقت است که حدیث مذکور با همه الفاظ و سندهای آن، جعلی و باطل بوده و تمسک و استناد به آن جایز نیست.

خوانندگان گرامی ملاحظه کردند که ما در این مبحث، تنها و تنها به معتبرترین منابع حدیثی، تاریخی، زندگینامه ها و دیگر کتاب ها، استناد نمودیم و به نقل گفته های مشاهیر بزرگ و پیشوایان حدیث، تفسیر، اصول و تاریخ اهل سنت، اکتفا کردیم.

از خدای سبحان درخواست می کنیم که اعمال ما را برای حضرتش، خالص گرداند و ما را در شناخت و پیروی از سنت راستین و اقتدا به کسانی که شایسته اقتدا هستند، یاری نماید.

وَصَلَّى اللهُ عَلَى سَيِّدِنَا مُحَمَّدٍ الْهَادِي الْأَمِينِ وَآلِهِ الْمَعْصُومِينَ

وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ.

کتاب نامه ...

۱. قرآن کریم.

الف

۲. ابجد العلوم: محمد صدیق خان بن حسن قنوجی هندی.

۳. اجوبه المسائل جار الله: سيد عبدالحسين شرف الدين عاملی، المجمع العالمی لأهل البيت عليهم السلام، قم، ایران، سال ۱۴۱۶.

۴. الإحكام فى اصول الأحكام: على بن محمد آمدی، دار الكتاب العربی، بیروت، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۵. احياء الميت بفضائل أهل البيت: جلال الدين سيوطی، دار الثقلين، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۶. إحياء علوم الدين: ابو حامد غزالی، دار المعرفه، بیروت، لبنان.

۷. إرشاد الفحول إلى تحقيق الحق من علم الأصول: شيخ محمد بن على شوکانی، مطبعه مصطفى حلبی، قاهره.

۸. الإستيعاب فى معرفه الأصحاب: ابن عبد البر، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۹. أسد الغابه: ابوالحسن على بن محمد شيبانى معروف به ابن الاثير، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان.

۱۰. إسعاف الراغبين: محمد صبان شافعى مصرى (چاپ شده در حاشیه نور الأبصار)، دار الفكر، بیروت، لبنان.

۱۱. الإصابه فی تمييز الصحابه: ابن حجر عسقلانی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.
۱۲. اضواء علی السنه المحمديه: محمود ابوریه، دار المعارف، مصر.
۱۳. الاعلام: زرکلی، دار العلم للملایین، بیروت، لبنان، سال ۱۹۹۷ م.
۱۴. اعلام الموقعین عن رب العالمین: ابن قیم جوزیه، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
۱۵. الأنساب: سمعانی، دار الفكر، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۸.
۱۶. الانس الجلیل: عبدالرحمان بن محمد علمی مقدسی، مکتبه حیدریه، نجف.
۱۷. إيضاح المکنون: اسماعیل پاشا بغدادی، دار الفكر، بیروت، لبنان.

ب

۱۸. البحر المحيط فی تفسیر القرآن: ابو حیان اندلسی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
۱۹. البدایه والنهایه (تاریخ ابن کثیر): حافظ ابی فداء اسماعیل بن کثیر دمشقی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۸.
۲۰. البدر الطالع: شوکانی، دار المعرفه، بیروت.
۲۱. بغیه الوعاه فی طبقات اللغویین والنحاه: حافظ جلال الدین سیوطی.

ص: ۹۹

ت

۲۲. تاج العروس: زبیدی، دار مکتبه الحياه، بیروت، لبنان.
۲۳. تاریخ اصفهان (ذکر اخبار اصفهان): ابونعیم احمد بن عبدالله اصفهانی، مطبعه بریل، سال ۱۹۳۴ م.
۲۴. تاریخ الطبری: سلمان بن احمد بن ایوب لخمی طبری، از منشورات کتابفروشی ارومیه، قم، ایران.
۲۵. تاریخ بغداد: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۷.
۲۶. تتمه المختصر فی اخبار البشر: عمر بن وردی، نجف، عراق.
۲۷. تذکره الحفاظ: ذهبی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.
۲۸. تذکره الموضوعات: محمّد طاهر بن علی هندی، مکتبه القیمه، چاپ یکم، سال ۱۳۴۳.
۲۹. تفسیر ابن کثیر (تفسیر القرآن العظیم): ابن کثیر، دار المعرفه، بیروت، چاپ سوم، سال ۱۴۰۹.
۳۰. تفسیر الکشاف: زمخشری، شرکت مکتبه و مطبعه مصطفی بابی حلبی، مصر، سال ۱۳۸۵.
۳۱. التقرير والتحییر فی شرح التحریر: محمّد بن محمّد حلبی معروف به ابن امیر الحاج، دار الفکر.
۳۲. التیسیر فی شرح التحریر: محمّد امین معروف به امیر پادشاه حنفی.

ج

۳۳. الجامع الصغير: جلال الدين سيوطي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۰.

۳۴. جامع بيان العلم وفضله: ابن عبدالبرّ، دار ابن الجوزي، عربستان، چاپ دوم، سال ۱۴۱۶.

۳۵. الجواهر المضيئه في طبقات الحنفية: ابو محمد، عبدالقادر بن محمد قرشي حنفي.

ح

۳۶. حسن المحاضره: جلال الدين سيوطي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ يكم، سال ۱۴۱۸.

۳۷. حصول المأمول من علم الأصول: محمد صدّيق خان قنوجي هندي.

خ

۳۸. خلاصه الاثر في أعيان القرن الحادي عشر: محمّد امين بن فضل الله محبّي حنفي، دار الكتب علميه، چاپ يكم، سال ۱۴۲۷.

د

۳۹. الدر اللقيط من البحر المحيط: تاج الدين ابن مكتوم قيسي (چاپ شده در حاشيه البحر المحيط).

۴۰. الدرّ المثور في التفسير بالمأثور: جلال الدين سيوطي، دار الكتب

ص: ۱۰۱

علمیه، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۱.

۴۱. الدرجات الرفیعه فی الطبقات الشیعه: صدر الدین سید علی خان مدنی شیرازی، مؤسسه الوفاء، بیروت، لبنان.

۴۲. الدرر الکامنه فی أعیان المائه الثامنه: ابن حجر عسقلانی، دار الجیل، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

ذ

۴۳. ذخائر العقبی: محب الدین طبری، مکتبه الصحابه، جدّه، الشرقیه، مکتبه التابعین، قاهره، مصر، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ر

۴۴. الرعايه لحال البدايه: شیخ زین الدین بن علی عاملی معروف به شهید ثانی رحمه الله.

۴۵. ریحانه الألباء: احمد بن محمد بن عمر خفاجی مصری.

س

۴۶. سبحة المرجان فی علماء هندوستان: السید غلام علی آزاد بلکرامی.

۴۷. سلسله الاحادیث الضعیفه والموضوعه: محمد بن طاهر ناصر الدین البانی.

ص: ۱۰۲

ش

۴۸. شذرات الذهب: ابن عماد، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان.

۴۹. شرح الشفاء: شیخ شهاب الدین خفاجی مصری حنفی.

۵۰. شرح المختصر فی الاصول: ابن حاجب، چاپ یکم، سال ۱۳۱۶، مکتبه امیریه، مصر.

۵۱. شرح المقاصد: تفتازانی، منشورات شریف رضی، قم، ایران، چاپ یکم، سال ۱۴۰۹.

۵۲. شرح نهج البلاغه: ابن ابی الحدید معتزلی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۳۸۷.

۵۳. شیخ المضیره: محمود ابوریّه مصری، منشورات شریف رضی، قم، سال ۱۴۱۴.

ص

۵۴. صحیح بخاری: بخاری، دار ابن کثیر، دمشق، بیروت، یمامه، چاپ پنجم، سال ۱۴۱۴ و دار الفکر، بیروت، سال ۱۴۰۱.

ض

۵۵. الضوء اللامع لأهل القرن التاسع: شمس الدین محمّد بن عبدالرحمان سخاوی، از منشورات دار مکتبه الحیاه، بیروت، لبنان.

ص: ۱۰۳

ط

۵۶. طبقات الشافعيه: اسنوی، دار العلوم، عربستان سعودی، ریاض، سال ۱۴۰۱.

۵۷. طبقات القراء: حافظ شمس الدين محمد بن جزري، قاهره، مصر، سال ۱۳۵۱.

ع

۵۸. العبر فی خبر من غبر: شمس الدين محمد بن احمد بن عثمان ذهبي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان.

۵۹. العلل المتناهيه فی الأحاديث الواهيه: ابن جوزي، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۰۳.

۶۰. العلم الشامخ: صالح بن مهدي مقبلي.

ف

۶۱. فوات الوفيات: محمد بن شاکر کتبی، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۲۰۰۰ م.

۶۲. فیض القدير فی شرح الجامع الصغير: عبدالرؤوف مناوی، دار الكتب علميه، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

ق

۶۳. القاموس المحيط: فیروزآبادی، دار احیاء التراث عربی، بيروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۲.

ص: ۱۰۴

۶۴. قانون الموضوعات: محمد بن طاهر بن علی هندی فتنی (چاپ شده با تذکره الموضوعات).

ک

۶۵. الکاف الشاف فی تخريج أحاديث الکشاف: احمد بن علی بن حجر عسقلانی، (چاپ شده با الکشاف)، مصر.

۶۶. كشف الظنون: حاجی خلیفه، دار الفکر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.

۶۷. الکفایه فی علم الروایه: خطیب بغدادی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۹.

۶۸. کنز العُمال: متقی هندی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۹.

ل

۶۹. اللباب فی تهذیب الأنساب: عزّ الدین ابن اثیر جزری، دار صادر، بیروت، لبنان.

۷۰. لسان المیزان: ابن حجر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

م

۷۱. المبسوط فی الفقه الحنفی: سرخسی، دار المعرفه، بیروت، سال ۱۴۰۶.

۷۲. المختصر (بيان المختصر): ابن حاجب، مركز احياء التراث اسلامي، مکه مکرمه، عربستان سعودی.
۷۳. المختصر فی أخبار البشر: عمادالدین اسماعیل بن ابی الفداء، دار عبداللطيف، مصر.
۷۴. مرآة الجنان: يافعی، دار الكتاب الاسلامي، قاهره، مصر، سال ۱۴۱۳.
۷۵. المرقاه فی شرح المشكاه: ملّا علی قاری، دار الفكر، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۴.
۷۶. مسند احمد بن حنبل: احمد بن حنبل شيباني، بیروت، لبنان، چاپ سوم، سال ۱۴۱۵.
۷۷. المصباح المنير: احمد بن محمد بن علی مقرئ فيومي، مكتبه علميه، بیروت، لبنان.
۷۸. معجم الادباء: ياقوت حموي، دار المأمون، مصر.
۷۹. المغنی عن حمل الأسفار: حافظ عبدالرحيم بن حسين عراقی.
۸۰. المغنی فی الضعفاء: ذهبی، دار الکتب علمیه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۸.
۸۱. مفاکھه الخللان: ابن معتمد ابراهيم ابن محمد دمشقى شافعی.
۸۲. المفردات فی غريب القرآن: راغب اصفهانی، دار القلم، دمشق، سال ۱۴۱۲.

۸۳. المقاصد الحسنه فی بیان کثیر من الأحادیث المشتهره علی الألسنه: سخاوی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۲۴.

۸۴. مقباس الهدایه: شیخ عبداللّه مامقانی رحمه اللّه.

۸۵. منتخب کنز العمّال: متقی هندی.

۸۶. الموضوعات: ابن جوزی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۵.

۸۷. الموضوعات الکبری: ملا علی قاری، مکتب اسلامی، بیروت، لبنان، چاپ دوم، سال ۱۴۰۶.

۸۸. الموطأ: مالک بن انس، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان، سال ۱۴۰۶.

۸۹. میزان الاعتدال: ذهبی، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، چاپ یکم، سال ۱۴۱۶.

ن

۹۰. النجوم الزّاهره فی ملوک مصر والقاهره: یوسف بن تغری اتابکی، دار الکتب علمیّه، قاهره.

۹۱. النصائح الکافیّه لمن یتولّى معاویه: محمّد بن عقیل علوی، دار الثقافه، قم، ایران، سال ۱۴۱۲.

۹۲. نفح الطیب مع غصن الأندلس الرطیب: حافظ شیخ احمد بن محمّد مقرّی تلمسانی، دار صادر، بیروت، لبنان.

۹۳. نور الأبصار: مؤمن شبلنجی، دار الفكر، بیروت، لبنان.

۹۴. النور السافر: شمس الدین عبدالقادر عیدروسی.

۹۵. النهایه فی غریب الحدیث: ابن اثیر، دار الکتب علمیّه، بیروت، لبنان، سال ۱۴۱۸.

و

۹۶. الوافی بالوفیات: صفدی، دار احیاء، بیروت، چاپ یکم، سال ۱۴۲۰.

۹۷. وفیات الأعیان: شمس الدین احمد بن محمّد بن حلّکان، دار صادر، بیروت، لبنان.

ه

۹۸. الهدایه: برهان الدین علی بن ابوبکر مرغینانی.

۹۹. هدیة العارفین: اسماعیل پاشا بغدادی، دار احیاء التراث العربی، بیروت، لبنان.

ص: ۱۰۸

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریان‌های اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می‌نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می
نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه
اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

